سرای جاودان الهی بهشت ماوا

۱. امالی صدوق: عبدلله بن علی؛ بلال موذن رسول خدا را ملاقت کرد و به او گفت، برای من بهشت را چنان وصف کن که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله برایت وصف کرده گفت بنویس بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ از رسول خدا شنیدم میفرمود باروی بهشت خشتی از طلا و خشتی از نقره و خشتی از یاقوتست و ملاطش مشک اذفر و کنگره هایش از یاقوت سرخ و سبز و زرد است، گفتم حلقه آن چیست؟ فرمود وای بر تو دست از من بدار که تکلیف ناهنجاری بمن کردی گفتم دست بر ندارم از تو تا بمن برسانی آن‌چه از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله شنیدی در این باره گفت بنویس بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اما در صبر دریست کوچک یک لنگه ای و از یاقوت سرخست و حلقه ندارد در شکر از یاقوت سفید است دو لنگه دارد و میان آن‌ها پانصد سال راهست و غوغا و ناله ای دارد، میگوید بار خدایا اهل مرا برایم بیاور گفتم در هم سخن کند؟ فرمود آری خدای ذو الجلالش بسخن آرد، در بلا گفتم مگر در صبر هم همان در بلا نیست؟ گفت نه گفتم بلا چیست؟ گفت مصائب و دردها و بیماریها و خوره و آن دریست از یاقوت زرد یک لنگه ای و اندکند کسانی که از آن در آیند گفتم خدا رحمت کند بیفزا و بر من تفضل کن که من محتاجم گفت تو بمن تکلیف ناروا کنی باب اعظم که از آن بندگان صالح در آیند که اهل زهد و ورع و مشتاق خدا و مأنوس با اویند گفتم خدا رحمتت کند وقتی ببهشت در آیند چه کنند؟ فرمود بر کشتیها روی دو نهر سیر کنند که پاروهائی دارند از لؤلؤ فرشتگانی در

آن‌ها باشند از نور و جامه‌های بسیار سبز در بردارند، گفتم رحمت خدا بر تو مگر نور هم سبز دارد؟ گفت جامه‌ها سبزند و نور از پرتو رب العالمین است جل جلاله بر دو کناره نهر گردش کنند گفتم نام آن نهر چیست، گفت جنة الماوی گفتم در میان چیز دیگری است؟ گفت آری جنت عدن که میانه بهشتها است جنت عدن باروئی دارد از یاقوت سرخ و ریگ آن لؤلؤ است گفتم در آن در دیگری است؟ گفت آری جنت الفردوس، گفتم باروی آن چگونه است گفت وای بر تو دست از من بدار مرا سرگردان کردی گفتم بلکه تو مرا سرگردان کردی من دست از تو بر ندارم تا وصف را بکمال رسانی و مرا از باروی آن خبر دهی گفت بارویش نور است گفتم غرفه‌ها که در آنست؟ گفت از نور رب العالمین است گفتم بیفزا خدایت رحمت کند گفت وای بر تو تا اینجا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده خوشا بر تو اگر ببرخی از این‌که وصف شد برسی و خوشا بر کسی که بدان معتقد باشد. توضیح: جزری در مورد این‌که در وصف بهشت فرمود: «و ملاطها مسک أذفر»-ملاط آن مشک خالص وخوشبو است- گوید ملاط چیزی است که بین خشتهای بنا بکار می‌برند ویا دیوار را با آن اندود می‌کنند. پایان. و شطط یعنی ستم وتجاوز ازحد. ومصافّ جمع مصفّ یعنی محلی که در آن صف کشیده جمع می‌شوند. و ممکن است با تخفیف (بدون تشدید) خوانده شود که از صیف (تابستان) باشد یعنی در محلی وسیع که برای تنزّه وتفریح در تابستان است و در فقیه گفته «در آبی صاف» که این وجه آشکارتر است. و «مجذاف» پاروی کشتی است و «حافة الوادی» بدون تشدید کناره وادی است. ٢. امالی صدوق: امیر المومنین فرمود: طوبی درختی است در بهشت بیخ آن در خانه پیغمبر است و در خانه هر مؤمن شاخه ای از آنست و هر چه بخواهد آن شاخه برای او بیاورد اگر سوار تندرو صد سال

در سایه‌اش بدود از آن بیرون نرود و اگر کلاغی از پای آن بپرد تا از پیری سقوط کند به بالایش نرسد هلا در این نعمت رغبت کنید تا پایان حدیث. تفسیر عیاشی از ابی بصیر همانند آن را روایت کرده است و در آن حدیث آمده: تا از پیری سفید شود. ۳. امالی صدوق: عبد اللّٰه بن سلیمان گفت در انجیل خواندم، ای عیسی و بیان کرد قضیه پیامبر ما را تا این جا که فرمود: خوشا بر کسی که دورانش را دریابد و روزگارش ببیند و سخنش را بشنود عیسی عرض کرد پروردگارا طوبی چیست؟ فرمود درختی در بهشت که من آن را کشتم همه بهشت را سایه دهد بیخش از رضوان است و آبش از تسنیم که چون کافور خنک است و مزه زنجبیل دارد هر که از آن چشمه بنوشد هرگز تشنه نشود، عیسی عرض کرد بمن از آن بنوشان فرمود ای عیسی بر نوع بشر حرامست از آن بنوشند تا آن پیغمبر از آن بنوشد و بر امتها حرامست از آن بنوشند تا امت او از آن بنوشند تا پایان حدیث. ۴. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود در بهشت درختی است که از بالایش جامه برآید و از پائینش اسبان بازین و مهار و پردار که نه سرگین کنند و نه بشاشند اولیاء خدا بر آن سوار شوند و در بهشت هر جا خواهند پرواز کنند و آنان که پست درجه‌تر از آن‌هایند گویند پروردگارا این بندگانت از کجا باین کرامت رسیدند؟ خدای جل جلاله فرماید اینها بودند که شب عبادت میکردند و روزها روزه بودند و نمیخوردند و با دشمن جهاد میکردند و نمیترسیدند و صدقه میدادند و بخیل نبودند. کتاب حسین و سعین و النوادر از زید بن علی همانند آن را روایت کرده است. ۵. امالی صدوق: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود در بهشت غرفه هائی است که درونش از برون و برونش از درون پیداست کسانی از امتم در آن‌جا کنند که خوش کلام و خوراننده طعام و آشکارکننده اسلام باشند و شب که مردم

بخوابند نماز بخوانندتا آخر حدیث. ۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام: عبد السلام بن صالح هروی گوید بامام رضا علیه السلام گفتم یا ابن رسول اللّٰه عرضکردم یا ابن رسول اللَّه به من خبر ده از بهشت و دوزخ که امروزه خلق شده اند؟ فرمود آری رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله در بهشت وارد شد و دوزخ را هم دید هنگام معراج خود، باو عرض کردم جمعی معتقدند که امروز مقدرند و مخلوق نیستند فرمود آن‌ها از ما نیستند و ما هم از آن‌ها نیستیم هر که منکر وجود فعلی بهشت و دوزخ است پیغمبر و ما را تکذیب کرده و از اهل ولایت ما نیست و در آتش دوزخ مخلد است خدا فرموده «هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی یُکَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ یَطُوفُونَ بَیْنَها وَ بَیْنَ حَمِیمٍ آنٍ» اینست دوزخی که مجرمان آن را دروغ میشمردند میان آن و حمیم داغ میگردند. پیغمبر فرمود چون مرا بآسمان بردند جبرئیل دست مرا گرفت و ببهشت برد و از خرمایش بمن داد و خوردم و در صلب من نطفه شد و چون بزمین آمدم با خدیجه مواقعه کردم و بفاطمه آبستن شد و فاطمه حوراء انسیه است و هر گاه مشتاق بوی بهشت شوم فاطمه دخترم را میبویم. احتجاج بصورت مرسل همانند آن را روایت کرده است. ۷. امالی صدوق:ام سلمه به پیغمبر عرضکرد پدر و مادرم قربانت زنی دو شوهر کرده و همه بمیرند و ببهشت روند آن زن از کدامین شوهر است؟ فرمود ای‌ام سلمه برگزیند خوش خلق‌تر و زن پرورتر آن‌ها را ای‌ام سلمه حسن خلق خیر دنیا و آخرت را با خود برده است. ۸. خصال: از رسول خدا روایت شده که‌ام سلمه به او عرض کرد پدر و مادرم بقربانت زنی که دو شوهر دارد هر دو می‌میرند و بهشت میروند تا اخرحدیث. ۹. تفسیر قمی: امام صادق علیه السلام فرمود: طوبی، درختی است در بهشت و در خانه امیر المؤمنین علیه السلام و در خانه هر یک از شیعیان شاخه ای از

شاخه‌های این درخت و برگی از برگ‌های این درخت هست که زیر سایه آن‌ها ملتی از ملت‌ها می‌آسایند. ۱۰. فرمود: حضرت محمد صلی اللّٰه علیه و آله حضرت فاطمه زهرا سلام اللّٰه علیها را زیاد می‌بوسید. عایشه این موضوع را ناخوش می‌داشت. پس رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله به عایشه فرمود: ای عایشه! وقتی به معراج برده شدم، وارد بهشت گشتم، جبرئیل مرا به نزدیکی طوبی برد و از میوه آن درخت به من داد و من از آن میوه خوردم. خداوند آن میوه را به آبی در پشت من مبدّل ساخت و چون به زمین بازگشتم، با خدیجه همبستر شدم و خدیجه، فاطمه سلام اللّٰه علیها را باردار شد. من هر گاه بوسه بر روی فاطمه سلام اللّٰه علیها می‌زنم، بوی درخت طوبی را از وی استشمام می‌کنم.۱۱. تفسیر قمی: از ابو بصیر روایت نموده که او گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای زاده رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله! جانم به قربانت، مرا به بهشت مشتاق گردان. حضرت فرمود: ای ابا محمد! کمترین حد نسیم بهشت چنان است که بوی خوش آن به دل‌های اهل بهشت، در روزی که نفس کشیدن به پایان رسد و راه نفس بسته شود (روز مرگ) از مسافت هزار ساله - بر مبنای سال‌های این دنیا - می‌رسد و کم منزلت‌ترین اهل بهشت چنان است که اگر تمام جن و انس هم میهمان او شوند، او می‌تواند از همه با غذا و نوشیدنی پذیرایی کند و چیزی هم از دارایی او کاسته نمی‌شود و ساده‌ترین منزلت اهل بهشت چنان است که چون وارد بهشت شود، سه باغ برایش ظاهر می‌گردد. وقتی که در پایین‌ترین آن باغ‌ها وارد شود، تا آن مقداری که خدا بخواهد، همسران و خدمتکاران و نیز رودخانه‌ها و میوه‌ها را می‌بیند و چشمانش روشن و دلش شاد می‌گردد. وقتی که خداوند را سپاس گفته و ستایش کرد، به او گفته می‌شود: سرت را بالا بگیر و به باغ دوم بنگر. چرا در این باغ

چیزهایی هست که در دیگری نیست. در این هنگام او می‌گوید: پروردگارا! همین را به من بده. خداوند به او می‌فرماید: اگر این را به تو بدهم، باز هم باغ دیگری می‌طلبی. او می‌گوید: خداوندا! همین را می‌خواهم، همین را. وقتی که به آن باغ وارد می‌شود، سپاس و ستایش خداوند را به جای می‌آورد. پس گفته می‌شود: برای او دری به سوی بهشت بگشایید و به او گفته می‌شود: سرت را بالا بگیر. ناگهان او می‌بیند که دری از درهای بهشت جاویدان به رویش گشوده شده است و در آن چندین برابر نعمت‌هایی که پیش از این از آن برخوردار بوده است را می‌بیند. وقتی که خوشحالی‌اش چندین برابر می‌شود، می‌گوید: خداوندا! ستایش بی‌پایان مخصوص توست که با بخشیدن بهشت‌ها بر من منت نهادی و مرا از آتش نجات دادی. ابو بصیر گوید: در این هنگام من گریستم و به حضرت عرض کردم: جانم به فدایت، بیشتر برایم بگو. حضرت فرمود: ای ابا محمد! در بهشت نهری است که در کناره‌های آن کنیزانی روییده است. هرگاه مؤمن از کنار کنیزی عبور کند و از آن خوشش آید، آن را از جایش می‌کَنَد و خداوند به جایش کنیز دیگری می‌رویاند. عرض کردم: جانم به قربانت، بیشتر برایم بگو. فرمود: مؤمن با هشتصد باکره و چهار هزار زن بیوه و با دو تن از حوریان چشم درشت ازدواج می‌کند. پرسیدم: فدایت گردم، هشتصد باکره؟ فرمود: آری و هرچند که با آنان همبستر می‌شود، باز هم آنان باکره می‌مانند. پرسیدم: فدایت گردم، حوریان چشم درشت از چه چیزی آفریده شده اند؟ فرمود: از خاک نورانی بهشت آفریده شده اند و مغز ساق پای آنان از پشت هفتاد پوشش نیز نمایان است. جگر مؤمن، آیینه حوریه است و جگر حوریه، آیینه مؤمن است. پرسیدم: فدایت گردم، آیا آنان سخنی دارند که با بهشتیان بگویند؟ فرمود: آری، آنان

بهشتیان را با سخنی مورد خطاب قرار می‌دهند که کسی همانند آن و گواراتر از آن را نشنیده است. پرسیدم: کلام آنان چیست؟ فرمود: با صدای نرم و شیوا می‌گویند: ما جاودانه ایم و مرگ نداریم. ما شاداب هستیم و پژمرده نمی‌شویم و ما ماندگاریم و نمی‌رویم. ما خشنود هستیم و خشمگین نمی‌شویم. خوشا به حال کسی که برای ما آفریده شده است و خوشا به حال کسی که ما برای او خلق شده ایم و ما کسانی هستیم که اگر سر یکی از ما در آسمان آویزان شود، نورش چشم‌ها را خیره خواهد کرد. ۱۲. خصال: امیر المومنین فرمودند: بهشت هشت در دارد یکدر از آن پیغمبران و صدیقان است یکدر از آن شهیدان و صالحان است و از پنج در شیعیان و صدیقان ما داخل میشوند، من پیوسته بر سر صراط ایستاده و درخواست میکنم عرض میکنم پروردگارا شیعیان و دوستان و یاران مرا و کسانی که مرا در دنیا بولایت شناخته اند سالم دار یک بار آوازی از شکم عرش میرسد که درخواست تو پذیرفته شد، شفاعت تو در باره شیعیانت قبول شد هر تن از شیعیان من و کسانی که ولایت مرا پذیرفته و مرا بگفتار یا کردار یاری کرده و با دشمنانم جنگیده اند هفتاد هزار تن از همسایگان و خویشان خود را میتوانند شفاعت کرد از یک در دیگر مسلمانان دیگری که خدا را به یگانگی شناخته و ذره ای دشمنی ما خاندان در دلشان نیست وارد میشوند. ۱۳. امالی صدوق: پیغمبر فرمود براستی حلقه در بهشت از یاقوت سرخی است بر صفحه ای از طلا و چون حلقه را بر در کوبند بنگی کند و گوید یا علی. ۱۴. مناقب آل ابو طالب ابو اسحاق موصلی گفت گروهی از ما وراء النهر از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردند حوران بهشتی را خداوند از چه آفریده و این‌که اهل بهشت وقتی وارد بهشت می‌شوند اول چیزی که می‌خورند چیست و تکیه گاه خدای جهان کجا بود وقتی

زمین و آسمانی وجود نداشت. فرمود: حوران بهشتی از زعفران و خاک آفریده شده اند که فنا ناپذیر نیستند. اولین چیزی که بهشتیان می‌خورند از کبد ماهی است که زمین روی آن قرار دارد. اما تکیه گاه خدا، او خود جا را بوجود آورده و کیفیت را آفریده. خود نه جا دارد و نه کیفیت و تکیه گاه او قدرتش بود. منزه است و متعال. ۱۵. تفسیر قمی: عالم مسیحی شامی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد که: چگونه اهل بهشت می‌خورند ولی دفع ندارند؟ مثالش را در دنیا به من بگو. حضرت علیه السلام فرمودند: بچه در شکم مادر از آن‌چه مادر می‌خورد تغذیه می‌کند و دفع ندارد. ۱۶. تفسیر قمی: دلیل این‌که بهشت جاودان در آسمان است این سخن خدای عز و جل است: «لاَ تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاء وَ لا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» تا آخر آیه. ۱۷. تفسیر قمی: این سخن خدای عز و جل: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ» یعنی دشمنی ای که از سینه آنان بیرون کشیده خواهد شد؛ یعنی از مؤمنان - در بهشت - هنگامی که وارد آن می‌شوند. چنان که خدا می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَ-ذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدَانَا اللّهُ... بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ».۱۸. تفسیر قمی: می‌فرماید: «إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ كانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلاً * خالِدينَ فيها لا يَبْغُونَ عَنْها حِوَلاً» یعنی از آن‌جابجا نمی‌شوند و خواستار جابجایی از آن‌جا هم نیستند. ابی بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در باره آیه: «خالِدِينَ فِيها لا يَبْغُونَ عَنْها حِوَلا» فرمود: در بهشت جاویدانند و از آن خارج نمی‌شوند «لا يَبْغُونَ عَنْها حِوَلًا» فرمود: به جای آن بهشت، جایگزینی را نمی‌خواهند. تفسیر این آیه را از آن حضرت پرسیدم: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ كانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا». فرمود: در مورد ابوذر، سلمان فارسی، مقداد و عمار بن یاسر نازل شده است.

خداوند بهشت را برایشان منزل قرار داد، یعنی جایگاه امن و محل فرود آمدنشان. ۱۹. تفسیر قمی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که ایشان فرمودند: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمودند: هنگامی که (در شب معراج) مرا به آسمان بردند، وارد بهشت شدم و دیدم که زمین آن سفید خالص است و دیدم که فرشتگان گاهی با خشتی از زر و خشتی از نقره می‌سازند و گاهی باز می‌ایستند. به ایشان گفتم: شما را چه شده است؟ گاهی می‌سازید و گاهی دست نگه می‌دارید؟ ایشان گفتند: صبر می‌کنیم تا خرجی ما برسد. گفتم: خرجی شما چیست؟ گفتند: این‌که انسان مؤمن بگوید: سبحان اللّٰه، و الحمد لله، و لا إله إلا اللّٰه، و اللّٰه أکبر، و هرگاه بگوید می‌سازیم و هرگاه از گفتن دست کشد، ما هم دست می‌کشیم.۲۰. تفسیر قمی: پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: سپس ازبیت المعمور خارج شدیم، دو نهر برایم آشکار شد، یکی به نام کوثر و دیگری رحمت، من از آب کوثر نوشیدم و در نهر رحمت غسل کردم، سپس آن نهرها مطیع من شدند تا این‌که وارد بهشت شدم. در ساحل و کناره‌های آن رودها در بهشت، خانه‌های من و همسران من بود خاک آن‌جا همچون مشک خوشبو بود. یک حوری را دیدم که در نهرهای بهشتی شنا می‌کرد، از او پرسیدم: برای چه کسی خلق شده ای؟ گفت: برای زید بن حارثه؛ و صبحگاهان، من به زید مژده و بشارت او را دادم. [در آن‌جا] پرندگانی همانند شتران خراسان، و انارهایی مانند دلوهای بزرگ آویخته از درختان [وجود داشت] و نیز در آن‌جا درختی دیدم که اگر پرنده ای هفتصد سال به دور تنه آن پرواز می‌کرد، باز به نقطه شروع نمی‌رسید؛ در هر منزلی در بهشت شاخه ای از این درخت وجود داشت. از جبرئیل پرسیدم: این چیست؟ گفت: این درخت طوبی است که خداوند فرمود: «طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ»[خوشا

به حالشان و خوش سرانجامی دارند].بیان: جوهری گوید: البخت شتر خراسانی است. و الدُلِیّ جمع دلو است. و قُتُر، کرانه و جهت است و قَتَر، اندازه و مقدار است. ۲۱. تفسیر قمی: اما درباره این فرموده خداوند متعال: «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِی شُغُلٍ فَاكِهُونَ» گفته است: به برداشتن بکارت دختران باکره مشغولند و خوشگذرانی می‌کنند. گفته است: با زنان خوش می‌گذرانند و با آنان بازی می‌کنند.در روایت ابو جارود از ابو جعفر امام باقر علیه السلام روایت شده است که در آیه: «فِی ظِلَالٍ عَلَی الْأَرَائِکِ مُتَّكِؤُونَ» فرموده است: ارائک به معنای تخت هاست که روی آن‌ها حجله‌هایی قرار گرفته است.علی بن ابراهیم در مورد آیه «سَلَامٌ قَوْلًا مِن رَّبٍّ رَّحِيمٍ» گفته است که: سلام و درود از سوی خدا، به معنای امنیت و آرامش است. ۲۲. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم گفته که در روایت ابی جارود از امام محمد باقر علیه السلام در مورد آیه أَصْحابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا روایت شده است که ایشان فرمودند: به ما این چنین خبر رسیده - و خدا داناتر است - که آن‌گاه که جهنمیان قبل از این‌که وارد آتش شوند، بر روی آتش قرار می‌گیرند تا به سمت آن برده شوند، به آنان گفته می‌شود: داخل در آن سایه شوید که سه گوشه از دود آتش دارد؛ پس آن‌ها گمان می‌برند که آن بهشت است، سپس گروه گروه وارد آتش شوند، و آن در وسط روز است. و بهشتیان نیز رو به سوی تحفه‌هایی که آرزویش را داشتند، می‌آورند، تا این‌که در وسط روز جایگاه‌های بهشتی شان به آن‌ها داده می‌شود، و این مراد از قول خداوند عز و جل است که می‌فرماید: أَصْحابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا. ۲۳. تفسیر قمی: کلام خداوند متعال: «لَا فِيهَا غَوْلٌ» یعنی فساد و تباهی، «وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ»؛ یعنی دستشان از آن کوتاه نمی‌شود، «وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ»؛ یعنی

پریان سیه چشم که دیده از نگریستن به پاکی و زیبایی آن‌ها ناتوان می‌ماند، «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ» یعنی دور از دسترس، «فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءلُونَ، قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ، يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنْ الْمُصَدِّقِينَ»؛ یعنی این سخن را که تو پس از مرگ زنده می‌شوی، باور می‌کنی؟ سپس او به همراهان خود گوید: «هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ»، «فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاء الْجَحِيمِ» آن‌گاه به آن همنشین خود گوید: «تَاللَّهِ إِنْ كِدتَّ لَتُرْدِينِ، وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ».و در روایت ابو جارود از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام آمده است که ایشان درباره کلام خداوند متعال: «فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاء الْجَحِيمِ»» فرمود: در میان دوزخ‌آن‌گاه بهشتیان می‌گویند: «أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ، إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ، إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». شرح: این تفسیر برای قاصرات الطرف بنابر آن است که قصر متعدی بنفسه باشد همان‌طور که فیروز آبادی گفته است: قصره يقصره جعله قصيراً. ۲۴. تفسیر قمی: خداوند متعال فرمود: «إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ» یعنی هرگز تمامی ندارد و از بین نمی‌رود. ۲۵. تفسیر قمی: کلام خداوند متعال: «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» [گوید:] یعنی گروه گروه «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ» یعنی به پاکی زاده شدید؛ چرا که تنها پاک زادگان به بهشت راه می‌یابندو در روایت ابو جارود، از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام آمده است که ایشان درباره کلام خداوند متعال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ» فرمود: یعنی زمین بهشت. ۲۶. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند برای هر یک از مخلوقات خود خانه ای در بهشت و خانه ای را در جهنم بنا کرده است. پس هنگامی که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم در می‌آیند، منادی ندا می‌دهد: ای اهالی بهشت! پیش بیایید و بنگرید. آن‌ها می‌آیند و به دوزخ

می‌نگرند. سپس جایگاه هایشان به آنان نشان داده می‌شود. و بعد از آن به ایشان گفته می‌شود: اینها منازلی است که اگر نافرمانی خدا را می‌کردید، به آن منازل می‌رفتید؛ یعنی به جهنم می‌رفتید. حضرت فرمود: اگر قرار باشد کسی از خوشحالی بمیرد، اهل بهشت در آن روز به خاطر عذابی که از آن‌ها برطرف شده، از خوشحالی می‌میرند. سپس منادی ندا می‌دهد: ای اهل آتش! سرهای خود را بالا بگیرید. آن‌ها سر خود را بالا می‌گیرند و به جایگاه خود در بهشت و نعمت‌های آن می‌نگرند. سپس به آن‌ها می‌گویند: این منازلی است که اگر خدا را اطاعت می‌کردید، به آن وارد می‌شدید. حضرت فرمود: اگر قرار باشد که کسی به واسطه اندوه بمیرد، جهنمیان باید از حزن بمیرند. پس این گونه می‌شود که هر کدام از دو گروه بهشتیان و جهنمیان در منزلگاه خود جای می‌گیرند و این است معنای سخن خداوند که فرمود: «أُولئِکَ هُمُ الْوارِثُونَ الَّذینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فیها خالِدُون»تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام همانند آن را روایت کرده است. ۲۷. تفسیر قمی: امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ عمل خوبی نیست که بنده انجام دهد، مگر این‌که ثواب آن در قرآن آمده باشد، جز نماز شب که به دلیل عظمت آن خداوند، ثواب آن را مشخص نکرده است. سپس این آیات را تلاوت کرد: «تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنفِقُونَ* فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِیَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْیُنٍ جَزَاء بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ». سپس فرمود: خداوند در هر روز جمعه کرامتی به بندگان مؤمن خود عنایت می‌فرماید. چون روز جمعه شود، خداوند فرشته ای را با دو جامه به دروازه بهشت می‌فرستد و می‌گوید: به فلانی خبر دهید که آماده دیدار پروردگارش گردد. پس به آن مرد گفته می‌شود: اینک فرستاده پروردگارت بر در منتظر توست. پس مرد رو به

همسرانش کرده و می‌گوید: کدام یک از این دو جامه را برای من بهتر می‌دانید. گویند: سرور ما! قسم به آن‌که بهشت را به تو روا داشته، جامه ای زیباتر از این‌که خداوند برایت فرستاده ندیده ایم. پس آن مؤمن، دو جامه را از فرشته می‌گیرد و یکی از آن دو را به صورت اِزار بر تن کرده و دیگری را به صورت رَدا بر دوش خودمی‌افکند و از کنار هر چیزی که گذر می‌کند، برای او می‌درخشد تا این‌که به وعده گاه می‌رسد. پس هنگامی که تمام مؤمنان گرد هم می‌آیند، پروردگار تبارک و تعالی بر آنان تجلّی می‌یابد و چون نگاه آنان به خداوند یعنی به رحمت خداوند می‌افتد، خاضعانه به سجده می‌افتند. پس خداوند به آنان می‌فرماید: ای بندگان من! سرتان را بالا بگیرید، چرا که امروز، روز سجده و عبادت نیست و من، بار زحمتو مشقت را از شانه هایتان برداشته ام. مؤمنان به خداوند عرض می‌کنند: پروردگارا! هیچ چیزی بهتر از آن‌چه به ما ارزانی داشته ای، نیست؛ چرا که تو بهشت را به ما ارزانی داشته ای. خداوند، به آنان می‌فرماید: هفتاد برابر آن‌چه که در اختیارتان است، برای شما می‌باشد. پس مؤمن در هر جمعه، هفتاد برابر آن‌چه را که در اختیار او است، به دست می‌آورد و معنای آیه «لَدَیْنَا مَزِیدٌ»[پیش ما فزونتر (هم) هست] همین است و منظور از آیه، روز جمعه است و شب جمعه، شبی تابناک و روز آن، روزی درخشان است. پس در شب و روز جمعه، بسیار ذکر تسبیح (سبحان الله)، و تهلیل (لا إله إلا الله) و تکبیر (الله أکبر) را بگویید و خدا را بسیار ستایش کنید و فراوان بر رسولش صلی الله علیه و آله، درود فرستید. هم‌چنین حضرت فرمود: مؤمن، عبور می‌کند و از کنار هر چیزی که می‌گذرد، برای او می‌درخشد تا این‌که نزد همسرانش می‌رود و آن‌ها به او می‌گویند: سوگند به کسی که بهشت را به تو ارزانی داشت، هیچ گاه تو را زیباتر از این لحظه ندیده ایم و مؤمن می‌گوید:

من به نور پروردگارم نظر افکندم. سپس حضرت فرمود: همسران مرد مؤمن، در بهشت به یک‌دیگر حسادت نمی‌ورزند و حیض نمی‌بینند و نزد شوهر خود بی‌بهره نگشتهو مرد، کینه ای از او به دل نمی‌گیرد. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: جانم به فدای شما باد! می‌خواهم سئوالی را از شما بپرسم، اما از شما شرم دارم. حضرت فرمود: بپرس. راوی می‌گوید: عرض کردم: جانم به فدای شما باد! آیا غنا و موسیقی در بهشت وجود دارد؟ حضرت پاسخ داد: در بهشت، درختی وجود دارد که خداوند به بادهای بهشت امر می‌فرماید که بوزند و بادها بر آن درخت می‌وزند و نغمه‌هایی تولید می‌کنند که خلائق، هرگز نغمه‌هایی به آن زیبایی نشنیده‌اند. سپس حضرت فرمود: این نغمه ها، پاداش کسی است که در دنیا، از ترس خداوند، استماع موسیقی را ترک کرده است. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: جانم به فدای شما باد! پیرامون بهشت، بیشتر برایم بگویید. حضرت فرمود: خداوند، بهشت را با دست خود، آفرید و هیچ چشمی، آن را رؤیت نکرده و هیچ مخلوقی، از آن آگاه نیست. پروردگار، هر بامداد، درهای بهشت را می‌گشاید و به آن می‌فرماید: رایحه و عطرت فزونی باد. آیه «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاء بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» نیز به همین معنا است.بیان: این‌که فرمود: «پروردگار بر آن‌ها تجلی کرد»، یعنی با انوار جلال و آثار رحمتش واعطای فضلش تجلی کرد. «وقتی به سوی او نگاه کردند» یعنی به آن‌چه از آن‌ها برای آنان آشکار شد نگاه کردند. و این‌که فرمود: «به دست او»یعنه به قدرت ورحمتش است. و آن صفت را مخصوص آن باغ کرد تا بر تمایز آن از دیگر باغها اشاره کند که دارای کرامت واحسان بیشتری است. و ممکن است سایر باغها بر خلاف این باغ توسط ملائکه کاشته وساخته شده باشند. ۲۸. خصال: ابن عباس گوید دو یهودی از

بزرگان یهود بمدینه آمدند و از امیر المومنین پرسیدند بهشت کجاست و دوزخ کجاست؟ حضرت فرمود: بهشت در آسمانست و دوزخ در زمین. پرسیدند هفت چیست؟ حضرت فرمود: هفت در دوزخ که بسته‌اند. پرسیدند: هشت کدامست؟ حضرت فرمود: هشت در بهشت تا آخر حدیث. ۲۹. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم، در تفسیر این آیه، از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره تفسیر این آیه پرسید و عرض کرد: ای رسول خدا! این غرفه‌ها با چه چیزی ساخته شده اند؟ ایشان فرمود: ای علی! خداوند آن غرفه‌ها را برای دوستانش از دُرّ و یاقوت و زبرجد ساخته، سقف آن‌ها از طلاست و با نقره استوار شده و هر یک هزار در از طلا دارد و بر هر در فرشته ای گمارده شده، در آن‌ها فرش‌هایی رنگارنگ از حریر و دیبا بر روی هم انداخته شده و از مشک و عنبر و کافور پر شده و این همان کلام خداوند عزّ و جلّ است که فرمود: «وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ» پس چون مؤمن به منزل گاه‌های خود در بهشت درآید، تاج فرمانروایی و ارجمندی را بر سرش می‌گذارند و دیباهایی از طلا ونقره و یاقوت و دُرّ- که در دسته‌های گل به رشته در آمده اند- می‌آورند و به زیر تاج بر تن او می‌کنند و هفتاد دیبای رنگارنگ که از طلا و نقره و مروارید و یاقوت سرخ بافته شده بر او می‌پوشانند و این همان کلام خداوند عزّ و جلّ است که فرمود: «يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ» {در آن‌جا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند و لباسشان در آن‌جا از پَرنیان است}و چون مؤمن بر تخت خود می‌نشیند، تختش از شادی به لرزه می‌افتد. چون اقامت گاه‌های دوست خدا در بهشت برپا شود، فرشته ای که بر باغ هایش گمارده شده، اجازه می‌خواهد تا بر او وارد شود و به خاطر

دهش‌های خداوند، به او شادباش گوید، امّا خادمان و کنیزان او به آن فرشته گویند: بایست، چرا که دوست خدا بر تخت خود تکیه زده و پریِ سیاه چشمی که همسر اوست، می‌خواهد به نزدش رود، پس صبر کن تا دوست خدا کار خود به پایان رساند؛ در آن‌گاه پری سیاه چشمی که همسر اوست، از خیمه خود به سوی او بیرون می‌آید و در حالی که کنیزانش او را در میان گرفته‌اند، شورمند گام بر می‌دارد و هفتاد دیبای بافته با یاقوت و مروارید و زبرجد، رنگین به مشک و عنبر، بر تن کرده و تاجی از کرامت بر سر گذاشته و کفشی از طلای آراسته به یاقوت و مروارید، با بندهایی از یاقوت سرخ، به پا دارد؛ چون به نزدیکی دوست خدا می‌رسد و او مشتاقانه می‌خواهد به سویش برخیزد، به او می‌گوید: ای دوست خدا! امروز روز خستگی و فرسودگی نیست، پس برنخیز، من از برای تو و تو از برای منی. آن‌گاه آن دو به اندازه پانصد سال از سال‌های دنیا هم آغوش می‌شوند و نه این از او خسته شود و نه او از این؛ در آن دم دوست خدا به گردن آن پری می‌نگرد و بر آن آویزه ای از بندهای یاقوت سرخ می بیند که بر آن نوشته شده: تو ای دوست خدا! معشوق منی و من پری، معشوق توام که جان من به تو و جان تو به من بسته است. سپس خداوند هزار فرشته می‌فرستد تا به او به خاطر ورودش به بهشت شادباش گویند و پریان سیاه چشم را به همسری‌اش درآورند. آن‌ها به نخستین در از باغ‌های او می‌رسند و به فرشته ای که بر درهای آن باغ‌ها گمارده شده می‌گویند: برای ما از دوست خدا اجازه ورود بگیر که خداوند ما را برای شادباش گویی فرستاده است. آن فرشته می‌گوید: بگذارید به دربان بگویم تا دوست خدا را از آمدن شما آگاه سازد. آن فرشته به نزد دربان می‌رود، حال آن‌که بین آن دو، سه باغ راه است. او به نخستین در می‌رسد و به دربان می‌گوید: هزار فرشته بر در ورودی

ایستاده‌اند، پروردگار جهانیان آنان را فرستاده تا به دوست خدا شادباش گویند و از من می‌خواهند تا برایشان اجازه ورود گیرم. دربان می‌گوید: این بر من بسی دشوار است که چون دوست خدا با همسرش به سر می‌برد، از او برای کسی اجازه ورود گیرم. بین دربان و دوست خدا دو باغ راه است، پس دربان به نزد سرایدار می‌رود و به او می‌گوید: هزار فرشته بر در ورودی ایستاده‌اند، پروردگار جهانیان آنان را فرستاده تا به دوستش شادباش گویند، برای آنان اجازه ورود گیر. سرایدار به نزد خادمان می‌رود و به آن‌ها می‌گوید: فرستادگان خداوند جبّار بر در ورودی ایستاده‌اند، آنان هزار فرشته اند و از سوی خداوند آمده اند تا به دوستش شادباش گویند، پس او را از آمدن آنان آگاه کن. خادمان او را از این امر آگاه می‌کنند و او به فرشتگان اجازه ورود می‌دهد. آنان بر دوست خدا وارد می‌شوند، حال آن‌که او در غرفه هزار درش نشسته و بر هر یک از آن هزار در، فرشته ای گمارده شده است. چون به آن فرشتگان اجازه ورود بر دوست خدا داده می‌شود، هر یک از آن فرشتگان که بر درها گمارده شده‌اند، دری را باز می‌کند و هر یک از آن فرشتگان (که برای شادباش آمده اند) از دری از درهای غرفه وارد می‌شود و به دوست خدا پیغام خداوند جبّار را می‌رسانند، و این کلام خداوند متعال است که فرمود «وَالمَلاَئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ» {و فرشتگان از هر دری بر آنان درمی آیند}یعنی درهای غرفه «سَلاَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» {(و به آنان می‌گویند:) درود بر شما به (پاداش) آن‌چه صبر کردید. راستی چه نیکوست فرجام آن سرای}و نیز فرمود: «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» {و چون بدانجا نگری (سرزمینی از) نعمت و کشوری پهناور می‌بینی}یعنی به سوی دوست خدا و به سوی دهش‌ها و آسودگی و کشور شکوهمندی که در آن به سر می‌برد، و فرشتگانی که

از سوی خداوند جبار فرستاده شده‌اند، از او اجازه ورود می‌گیرند و تا به آنان اجازه نداده، وارد نمی‌شوند، آن است کشور شکوهمند و نهرها از زیرش روانند.بیان: این‌که فرمود: «محکوکة بالفضة» یعنی منقوش به نقره و در بعضی نسخ محبوکة آمده که اظهر است فیروزآبادی گوید الحبک استحکام وشدت و نیکو کردن ساخت لباس است. و تحبیک استوار کردن ومحکم کردن و راه راه کردن است. «قد هبت» یا مضاعف است یا معتل. جزری گوید: «هب التیس»یعنی بز نر برای جفت گیری به حرکت در آمد وهباب یعنی نشاط. و گوید: «التهبی»یعنی راه رفتن شخص مغرورِ از خود راضی که از هبا یهبو هبوا است یعنی کسی که به کندی راه می‌رود. و در بعضی از نسخ «تهیأت» آمده و در برخی «هیئت» که این دو اظهرند. «إلیک تناهت نفسی»یعنی اشتیاقم به تو به نهایت رسیده که به معنی تناهی وانتها معنی اشتیاق را نیز ضمیمه کرده است. ۳۰. خصال: رسول خدا فرمود چهار نهر از بهشتند، فرات، نیل، سیحون، جیحون، فرات در دنیا و آخرت آب گواراست، نیل نهر عسل بهشت است، سیحون نهر می‌است، جیحون نهر شیر است. بیان: شاید مراد اشتراک اسمی است وممکن است منبع آن‌ها از بهشت دنیا باشد وبعد از انتقال به دنیا برخی از انها تغییر یافته باشند. ۳۱. خصال: امام صادق علیه السلام فرمود: پنج میوه دنیا از میوه‌های بهشتی است انار ملس. سیب. به، انگور. خرمای مشان. ۳۲. خصال: امام پنجم فرمود بخدا خوشبین و امیدوار باشید و بدانید که بهشت هشت در دارد که پهنای هر دری از آن‌ها مسافت چهل سال راه است. ۳۳. خصال: امیر المومنین فرمود: طوبی درختی است در بهشت که بنش در خانه رسول خداست و در خانه هر مؤمنی بدون استثناء یک شاخه ای از شاخه هایش هست هر چه دل آن مؤمن بخواهد و آهنگ آن را بکند آن شاخه بدو میدهد

اگر سواری تندروی صد سال در سایه‌اش راه پیماید از آن بیرون نرود و اگر کلاغی از بن آن پرواز گیرد ببالای آن نرسد تا از پیری سخت سپید گردد هلا در این نعمت بیکران رغبت کنید تا آخر حدیث. ۳۴. خصال: جابر گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود دو هزار سال پیش از آفرینش آسمان و زمین بر در بهشت کتاب حسین بن سعید والنوادر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:؟ «بهشت می‌گوید خدایا» و همانند آن را روایت می‌کند. ۳۹. تفسیر قمی: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: به قرآن چنگ بزنید. زیرا خداوند، بهشت را به دست خویش یک آجر از طلا و آجر دیگری از نقره آفریده و ملات آن را از مشک، خاکش را از زعفران، شن آن از مروارید و درجات آن را به اندازه آیات قرآن قرار داده است. هر کس قرآن بخواند به او گفته می‌شود: بخوان و به درجه بالاتر صعود کن. هر کس از اهل قرآن وارد بهشت شود، در آن‌جا به جز پیامبران و صدیقان، کسی از نظر درجه از او برتر نخواهد بود.۴۰. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در باره آیه «ولقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى* عِندَ سِدْرَةِ المُنْتَهَى» گفت: در آسمان هفتم قرار دارد و اما در پاسخ به کسانی که بهشت و جهنم را انکار می‌کنند فرموده است: «عِندَهَا جَنَّةُ المَأْوى» یعنی در زیر سدرة المنتهی که در آسمان هفتم قرار دارد و جنة المأوی هم در کنار آن است.۴۱. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در باره آیه «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ» می‌گوید: آن زنان بهشتی این قدر نورانی و درخشان هستند که از شدت نورشان، چشم‌ها نمی‌توانند به آن‌ها نگاه کنند و آیه: «لمْ يَطْمِثْهُنَّ» یعنی: کسی به آن‌ها دست نزده است و آن‌ها را لمس نکرده است.وآیه: «فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ» گفته است: یعنی فوران می‌کنند و در باره آیه: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ» گفته است: آن‌ها گل‌های نیلوفری هستند که بر ساحل رود

کوثر می‌رویند. هر گاه یکی از آن‌ها کنده شود، به جای آن گل دیگری می‌روید و آیه «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِی الخِیَامِ» یعنی: چشم از نگاه کردن به آن‌ها باز می‌ماند.بیان: قصر، حبس است وآن‌چه گفته بیان حاصل معناست یعنی به این دلیل در خیمه‌ها محبوسند که غیر از همسرانشان به آن‌ها نگاه نکنند وممکن است در کلام حذف و وصلی باشد یعنی نگاه نگاه کنندگان به خاطر لطافت ونور چهره حوریان از آن‌ها محبوس باشد. ۴۲. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در باره آیه: «یَطُوفُ عَلیْهِمْ ولدَانٌ مُّخَلدُونَ» یعنی در حالی که شاد و خوشحال هستند آیه «لا یَسْمَعُونَ فِیهَا لغْوا ولا تَأْثِیمًا» یعنی نه فحش می‌شنوند و نه دروغ و نه ساز و آواز. و در باره آیه: «فِی سِدْرٍ مَّخْضُودٍ» می‌گوید: آن درختی است که نه برگ دارد و نه خار. و امام صادق علیه السلام الْکَوْثَرَ» کوثر، نهری در بهشت است که خداوند به جای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ابراهیم، آن را به ایشان عطا فرمود. ۴۶. تفسیر قمی: منظور از: «مُتَّکِئِینَ فِیهَا عَلَی الْأَرَائِکِ» {در آن (بهشت) بر تختها (ی خویش) تکیه زنند} در حجله‌ها نشسته اند در حالی که بر تخت‌هایی تکیه داده اند؛ و منظور از: «وَدَانِیَةً عَلَیْهِمْ ظِلَالُهَا» {و سایه‌ها (ی درختان) به آنان نزدیک است} فاصله آن‌ها با سایه درختان اندک است، و منظور از: «وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِیلًا»، {و میوه هایش (برای چیدن) رام} میوه آن درختان از شاخه‌ها آویزان است، به طوری که هم در حالت نشسته و هم در حالت ایستاده می‌توان از میوه آن درختان چید. و منظور از: «وَأَکْوَابٍ کَانَتْ قَوَارِیرَا * قَوَارِیرَ مِن فِضَّةٍ» {و ظروف سیمین و جامهای بلورین پیرامون آنان گردانده می‌شود * جامهایی از سیم} «أَکْوَابٍ»: کوزه‌های بزرگ است که دسته یا دستگیره ندارند؛ اینها ظرف‌هایی از جنس نقره هستند که اهل بهشت به وسیله آن می‌نوشند «قَدَّرُوهَا

تَقْدِيرًا» {درست به اندازه (و با کمال ظرافت) آن‌ها را از کار در آورده اند} می‌گوید: طبق ظرفیت و درجه سیراب شدن آن‌ها ساخته شده است، به طوری که نه اضافه می‌آید و نه کم می‌آید، و در این آیه: «مِن سُندُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ» {پرنیان نازک و دیبای ستبر} منظور از «استبرق»، دیبا مهیا شده است. این [نعمتها] پاداش کردار [نیک] آن‌هاست} و در ادامه، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: سوگند به آن کسی که جان محمّد به دست قدرت اوست، هر روز هفتاد هزار ملک نزد او (مؤمن) می‌آیند و او را به نامش و نام پدرش می‌خوانند. کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهرة از امام محمد باقر علیه السلام همانند آن را روایت کرده است. ۵۱. کشف الیقین: امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرد که رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: وقتی مرا داخل بهشت کردند دیدم درختی زیور و زینت هائی دارد پائین درخت مرکب‌های سفید و سیاهند و در وسط آن حور عین هستند و در بالای درخت رضوان است. به جبرئیل گفتم این درخت از کیست؟ گفت متعلق به پسر عمویت امیر المؤمنین است وقتی خداوند دستور دهد مردم داخل بهشت شوند شیعیان علی بن ابی طالب را می‌آورند تا به این درخت می‌رسند آن‌گاه لباسهای زینتی و حله‌های بهشتی را می‌پوشند و سوار بر مرکبهای سیاه و سفید بهشتی می‌گردند منادی فریاد می‌زند این‌ها شیعیان علی بن ابی طالب هستند که در دنیا بر آزار و اذیت صبر کردند امروز به آن‌ها این کرامت بخشیده شده. ۵۲. تفسر عیاشی: امام صادق علیه السلام در باره کلام خداوند عز و جل «وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» سؤال شد، ایشان فرمود: الأزواج المطهرة، زنانی هستند که حیض نمی‌شوند و نجاست نمی‌کنند. ۵۳. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا اهل بهشت از هیچ چیزی مانند نکاح لذت نمی‌برند

نه از خوردن و نه از آشامیدن. ۵۴. تفسیرعیّاشی: امام صادق علیه السلام در باره آیه «وَسَارِعواْ إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ» فرمود: وقتی بهشت را وصف کنند، این گونه خواهد بود، و حضرت، دو دستش را کاملا از یک‌دیگر باز کرد.۵۵. مناقب: امیرالمومنین علیه السلام فرمود: همانا بهشت هفتاد و یک در دارد که شیعیان و اهل بیت من از هفتاد در آن وارد می‌شوند و از یک در دیگر بقیه مردم. ۵۶. تفسیر امام عسکری علیه السلام: «وَبَشِّرِ الَّذِين آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ» بوستان‌هایی که «تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ» از زیر درختانش و سراهایش «كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنْهَا» از آن بهشت «مِن ثَمَرَةٍ» از میوه‌های آن «رِّزْقًا» برایشان غذا آورند «قَالُواْ هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ» در دنیا و اسم هایشان همان اسم‌هایی است که در دنیا داشتند مانند سیب و به و فلان و تفاوتشان با آن‌چه در دنیا بود در این است که این جا در نهایت دلپذیری هستند و همچون میوه‌های دنیا به نجاست و دیگر چیزهای نفرت انگیز مثل زرداب و چرکاب و خون تبدیل نشوند و تنها پس از خورده شدن، عرقی بر اندام مؤمنان روان سازند که بویی دلپذیرتر از بوی مشک دارد. «وَأُتُواْ بِهِ» نعمت‌هایی از میوه‌های آن بوستان‌ها «مُتَشَابِهًا» همه همانند هم، گزیده و بی‌عیب و از هر گونه ای در نهایت دلپذیری و گوارایی باشند و نه همچون میوه‌های دنیا که برخی نارسیده و برخی دگر رسیدگی را درگذرانده رو به گندیدگی و ترشی و تلخی و دیگر اوصاف ناخوشایند گذارده باشند و نیز در رنگ و آب همچون یک‌دیگر اما در طعم گوناگونند. «وَلَهُمْ فِيهَا» در آن باغ‌ها «أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» از هر گونه ناپاکی و ناپسندی و از حیض و خون رحم پاک باشند و از حیله گری و پنهان کاری و نیرنگ بازی و حسودی به دور باشند و شوهرستیز و درشت صدا و پلیدزبان و زشت گوی نباشند و هیچ عیب

و هیچ خلق ناپسندی در آن‌ها راه نیافته باشد. «وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» در آن بوستان‌ها و باغ‌های بهشتی جاودان سکنی گزینند.بیان: فیروزآبادی گوید العرض هر جایی است که از آن تعریق صورت می‌گیرد وبوی آن خوش یا ناخوش است. وگوید الفرک با کسره وفتحه دشمنی زن وشوهر بطور عام یا خاص است. ۵۷. تفسیر عیاشی: از ثُویر، از علی بن حسین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر گاه اهل بهشت وارد بهشت می‌شوند و ولی خدا وارد جنّات و مساکن خویش می‌شود، هر مؤمنی به پشتی و اریکه خود تکیه می‌کند، خدمتکاران او، دور او را می‌گیرند و میوه‌ها بر سر او خم می‌شوند و چشمه‌ها دور او به جوشش در می‌آیند و رودها از زیر او به جریان می‌افتند و فرش‌ها برای او گسترده می‌شوند و از برابر او گذر می‌کنند و خدمتکاران هر چه را که به آن تمایل پیدا کند، برای او برآورده می‌سازند قبل از این‌که آنان بخواهند. - فرمود: - و حور العین (زنان بهشتی) از باغ‌ها برای او بیرون می‌آیند. پس تا مدتی که خدا می‌خواهد در آن حالت باقی می‌مانند، سپس خدای جبار و قدرتمند به آنان نگاه می‌کند و به آنان می‌گوید: ای اولیا و اهل طاعت من و ای ساکنان بهشت من در جوار من، آیا شما را به بهتر از آن‌چه در آن به سر می‌برید، با خبر کنم؟ می‌گویند پروردگار ما! چه چیزی بهتر از آن‌چه در آن به سر می‌بریم؟ ما در آن‌چه جان‌های ما خواهان آن هستند به سر می‌بریم و چشم هایمان از دیدن نعمت‌ها در جوار خدای کریم لذت می‌برد. - فرمود: - پس دوباره همان گفته را برای ایشان تکرار می‌کند. می‌گویند: بله ای پروردگار ما! بهتر از آن‌چه در آن به سر می‌بریم را برای ما بیاور. خدای تبارک و تعالی به آنان می‌گوید: رضایت من از شما و دوستی من نسبت به شما بهتر و بزرگتر است از آن‌چه در آن به سر می‌برید. - فرمود: - پس می‌گویند، بلی، ای پروردگار ما! رضایت شما از

ما و محبت شما به ما برای ما بهتر و برای جان‌های ما پاکیزه‌تر است. سپس علی بن حسین علیه السلام این آیه را خواندند: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها وَ مَساكِنَ طَيِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» {خداوند به مردان و زنان با ایمان باغهایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن‌جاودانه خواهند بود، و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشتهای جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر است. این است همان کامیابی بزرگ.} ۵۸. تفسیرإمام عسکری علیه السلام: در بهشت پرندگانی هستند مانند بخاتی (نوعی جانور). در بهشت از انواع جانوران هستند که در زمین وهوا حرکت می‌کنند. و وقتی مؤمنی که دوستدار پیامبرصلی اللّٰه علیه وآله وآل او علیهم السلام است، بخواهد از آن بخورد، در مقابلش قرار می‌گیرد و پرهایش ریخته وبریان شده ومی پزد و مؤمن از بخشی از آن بصورت قدید واز بخشی دیگر بصورت بریان می‌خورد بدون آن‌که آتشی باشد. و وقتی میلش برطرف شد می‌گوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ در این زمان آن پرنده به شکل اول خود باز می‌گردد و در هوا پرواز می‌کند وبر سایر پرندگان فخر می‌فروشد و می‌گوید: مثل من کیست؟ ولیّ خدا به امر خدا از من خورد. ۵۹. تفسیرعیاشی: ابو وَلّاد، نقل کرده است که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم! یکی از شیعیان که پارسا و مؤمن و بسیار نمازخوان است، دوستدار لهو و لعب گشته و به غنا گوش می‌سپارد. امام پرسید: آیا این کار او، وی را از اقامه نماز به هنگام و یا روزه داری و ملاقات بیمار و تشییع جنازه و دیدار با دوستان باز نمی‌دارد؟ گفت: عرض کردم: خیر، این موضوع مانع از این نمی‌شود که او در انجام امور خیر و نیک کوتاهی کند. راوی گفت: حضرت

فرمود: این از گام‌های شیطان است. ان شاء اللّه این کار او بخشوده است. سپس فرمود: دسته ای از فرشتگان، فرزندان آدم را به خاطر مشغول گشتن آنان به انواع لذت‌ها و امیال و شهوات نکوهیدند. مقصودم لذت‌های حلال است نه حرام. – فرمود: - پروردگار متعال، ایراد گرفتن فرشتگان از فرزندان با ایمان آدم را برنتابید، بنابراین در وجود آن فرشتگان، لذت‌ها و شهوت‌ها را قرار داد تا دیگر، بندگان مؤمن را ملامت نکنند. - حضرت فرمود: - چون این امیال و لذت‌ها در دل و جان آن‌ها استوار شد. به درگاه خداوند تضرع کرده و شکایت آوردند و گفتند: پروردگارا! از ما درگذر، از ما درگذر و ما را به همان فطرت و سرشتی که ما را بر آن آفریده بودی، بازگردان. همه ترس ما از آن است که در وادی حیرت و شبهه بیفتیم. پروردگار آن حالت را از دل و جان ایشان برداشت. امام علیه السلام فرمود: وقتی روز قیامت فرا می‌رسد و بهشتیان وارد بهشت می‌شوند، همین فرشته‌ها اجازه ورود بر بهشتیان را می‌خواهند و خداوند به آنان اجازه ورود به بهشت را می‌دهند. آنان بر بهشتیان وارد می‌شوند و بر آنان سلام می‌دهند و می‌گویند: «سَلاَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ» در دنیا در مقابل لذت‌ها و شهوت‌های حلال. ۶۰. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود که منظور از: «سَلاَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ» شکیبایی آنان بر فقر و تنگدستی در دنیا است «فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»- فرمود: - منظور، شهیدان هستند. ۶۱. تفسیرعیاشی: امام باقر علیه السلام، از پدرش، از پدرانش علیهم السلام نقل می‌کند که فرمود: روزی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نشسته بود که اُمّ اَیمن نزد ایشان آمد و در لباس زبرین او چیزی بود. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از او پرسید: ای‌ام ایمن! در بالاپوشت چه داری؟ عرض کرد: ای رسول خدا! فلانی، دختر فلان خانم را به عقد

کسی درآوردند و بر سرش چیزی نثار کردند و من از آن مقداری برداشتم. بعد امّ ایمن گریه کرد و رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله به او فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ عرض کرد: فاطمه سلام اللّٰه علیها را به خانه بخت فرستادی و بر سر او چیزی نثار نکردی! رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله به او فرمود: گریه مکن، به آن خداوندی که مرا به حق، بشارت دهنده و بیم دهنده مبعوث گردانیده است، در عقد فاطمه سلام اللّٰه علیها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل همراه با هزاران فرشته حضور یافتند و خداوند به درخت طوبی فرمان داد تا بر سر آنان از زیورآلات بهشت، ابریشم و سندس و استبرق و مروارید و زمرّد و یاقوت و عطر بهشتی نثار کردند و خداوند درخت طوبی را کابین و مهریه فاطمه سلام اللّٰه علیها قرار داد و این درخت- در بهشت- در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داد. ۶۲ . تفسیر عیاشی: ابان بن تَغلِب گفته است: پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله، فاطمه سلام اللّٰه علیها را بسیار می‌بوسید. عایشه ایشان را به این خاطر سرزنش کرد و عرض کرد: ای رسول خدا! تو فاطمه را زیاد می‌بوسی؟ پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله به او فرمود: وای بر تو باد! زمانی که من به معراج رفتم، جبرئیل مرا به کنار درخت طوبی برد و به من از میوه آن درخت داد و من از آن خوردم. آن میوه در پشت من به آب تبدیل شد و هنگامی که به زمین بازگشتم، با خدیجه همبستر شدم و او فاطمه را باردار شد. من هر وقت فاطمه را می‌بوسم، رایحه درخت طوبی از او به مشامم می‌رسد. ۶۳. تفسیر عیاشی: امام باقر علیه السلام فرمودند: طوبی، درختی است که از بهشت عدن بیرون می‌آید و پروردگار متعال با دست خود آن را کاشته است. ۶۴. تفسیر عیاشی: ابو قتیبه تمیم بن ثابت، از ابن سیرین نقل کرده است که حضرت در توضیح آیه: «طُوبَی لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» فرمود: طوبی، درختی است در

بهشت که اصل آن در خانه علی علیه السلام است و در تمامی منازل بهشت شاخه ای از شاخه‌های این درخت وجود دارد. ۶۵. مجالس مفید: امام باقر از طریق پدران بزرگوارش علیهم السّلام از رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله روایت کرد که آن حضرت فرمود: بهشت بر همه انبیاء حرام است تا نخست من داخل شوم، و نیز بر تمامی امّتها حرام است تا این‌که نخست شیعیان ما اهل بیت داخل شوند. ۶۶. رجال کشی: ابن قتیبه از یحیی بن ابی بکر، گفت: نظام به هشام بن حکم گفت: همانا اهل بهشت تا ابد در بهشت نمی‌مانند، زیرا در این صورت در جاودانگی مانند خداوند خواهند بود و این غیرممکن است. پس هشام گفت: همانا اهل بهشت در جاودانگی نیازمند کسی هستند که آنان را جاودان سازد، ولی خداوند بدون نیاز به کسی که او را پایدار بدارد جاودان است و چنین نیست که می‌گویی. گفت: غیر ممکن است که تا ابد زنده باشند. گفت: چه اشکالی دارد؟ علیه وآله فرمودند: هنگامی که مرا به آسمان‌ها بالا بردند، جبرئیل به من گفت: همانا من به بهشت و دوزخ فرمان دادم تا خود را برای تو نمایان سازند. فرمود: پس بهشت را همراه با نعمت‌هایی که در آن بود دیدم و دوزخ را نیز همراه با آتش و عذابی که در آن بود مشاهده کردم. پس بهشت هشت در داشت، بر روی هر در چهار سخن نوشته شده بود، که هر یک از آن سخنان از همه دنیا و آن‌چه در آن است بهتر بود، برای کسانی که از آن آگاه باشند و به آن‌ها عمل کنند. و دوزخ آتشین نیز هفت در داشت که بالای هر در سه سخن نوشته شده بود، و هر یک از آن سخنان برای کسانی که از آن آگاه بوده و به آن عمل کنند، از همه دنیا و آن‌چه در آن قرار دارد سودمندتر است. پس جبرئیل به من گفت: ای محمد، آن‌چه را روی درها نوشته شده است بخوان. پس آن‌ها را خواندم. اما درهای بهشت، روی اولین در

نوشته شده بود: معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. هر چیزی روشی دارد و روش زندگی چهار چیز است: قناعت و عمل به حق و دوری از کینه و هم نشینی با نیکان. و بر در دوم نوشته شده بود: معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. هر چیزی چاره ای دارد و چاره شادمانی در آخرت چهار ویژگی است: دست کشیدن بر سر یتیمان، مهربانی با بیوه زنان، کوشش در برآوردن نیازهای مؤمنان و دلجویی از نیازمندان. و بر در سوم نوشته شده بود: معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. هر چیز چاره ای دارد و چاره سلامتی در دنیا چهار ویژگی است: گفتار اندک و خواب اندک و راه رفتن اندک و خوراک اندک. و بر در چهارم نوشته شده بود: معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید مهمان خویش را گرامی دارد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید پدر و مادر خویش را گرامی دارد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید سخن نیکو بگوید یا این‌که ساکت باشد. و بر پنجمین در نوشته شده بود: معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. هر کس می‌خواهد به او ظلم نشود نباید ظلم کند، و هر کس می‌خواهد او را شماتت نکنند نباید دیگران را شماتت کند، و هرکس می‌خواهد خوار نگردد نباید دیگران را خوار سازد، و هر کس می‌خواهد در دنیا و آخرت به ریسمان محکم چنگ زند باید بگوید: معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. و بر در ششم نوشته شده بود: معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. هر کس می‌خواهد قبرش فراخ و گسترده باشد باید مسجد بسازد و هرکس می‌خواهد زیر زمین کرم‌ها او را نخورند باید

در مساجد ساکن شود، و هرکس می‌خواهد شاداب و سرزنده باشد و هرگز فرتوت نشود باید مساجد را بروبدو هر کس می‌خواهد جایگاه خود را در بهشت ببیند باید مسجدها را با فرش بپوشاند. و بر در هفتم نوشته شده بود: معبودی جز اللّٰه نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. روشنایی دل در چهار ویژگی است، عیادت بیمار و تشییع جنازه‌ها و خرید کفن و پرداخت بدهی. و بر در هشتم نوشته شده بود: معبودی جز اللّٰه نیست و محمد فرستاده خدا و علی ولی خداست. هر کس می‌خواهد از این درها وارد شود باید به چهار چیز چنگ زند، سخاوت و خوش خلقی و صدقه و خودداری از آزردن بندگان خدا. و دیدم بر اولین در از درهای جهنم سه سخن نوشته شده بود: هر کس به خداوند امید ببندد سعادتمند شود، و هر کس از خداوند بیم داشته باشد در امان است، و هر کس به کسی جز خدا امید ببندد و از غیر او بترسد فریب خورده و تباه گردد. و بر در دوم نوشته بود: هر کس می‌خواهد در روز قیامت برهنه نباشد باید در دنیا بدن‌های برهنه را بپوشاند و هرکس می‌خواهد در قیامت تشنه نباشد باید در دنیا تشنه‌ها را سیراب کند، و هر کس می‌خواهد در قیامت گرسنه نباشد باید در دنیا شکم‌های گرسنه را سیر نماید. و بر در سوم نوشته بود: خداوند دروغ گویان را لعنت کند، خداوند بخیلان را لعنت کند، خداوند ستمکاران را لعنت کند. و بر در چهارم سه سخن نوشته شده بود: خداوند کسی را که اسلام را خوار داشته خوار کند، خداوند کسانی را که به اهل بیت علیهم السلام اهانت روا داشته خوار سازد، خداوند کسانی را که ستمکاران را در ستم به بندگان یاری کرده اند لعنت کند. و بر در پنجم سه سخن نوشته شده بود: از امیال درونی پیروی نکن، چرا که این هوس‌هامخالف ایمان هستند، و در آن‌چه برایت سودی ندارد زیاده

گویی نکن که دراین صورت رحمت خدا از تو دور می‌شود. و یاری دهنده ستمکاران نباش. و بر در ششم نوشته شده بود: من برای تلاش گران حرام هستم، من برای صدقه دهنده‌ها حرام هستم، من برای روزه داران حرام هستم. و بر در هفتم سه گفتار نوشته شده بود: خویشتن را محاسبه کنید، پیش از آن‌که شما را مورد حسابرسی قرار دهند، و خویشتن را سرزنش نمایید پیش از این‌که شما را مورد سرزنش قرار دهند، و خدا را بخوانید پیش از آن‌که بر او وارد شوید و دیگر قادر به خواندن او نباشید. ۶۸. رجال کشی: محمد بن عیسی قمی گفت: به سوی ابوالحسن رضا علیه السلام روانه شدم، در این هنگام یونس غلام آل یقطین به بدرقه من آمد و پرسید: به کجا می‌روی؟ گفتم می‌خواهم نزد ابوالحسن علیه السلام بروم، گفت: این سؤال را از ایشان بپرس: آیا بهشت آفریده شده است؟ چرا که من گمان می‌کنم بهشت هنوز آفریده نشده است. گفت: پس بر ابوالحسن علیه السلام وارد شدم و نزد ایشان نشستم، سپس به ایشان عرض کردم: یونس غلام آل یقطیناز من خواسته پیغامی را به شما برسانم. فرمود: آن چیست؟ گفتم: او به من گفت: آیا بهشت اکنون آفریده شده است؟ چرا که من گمان می‌کنم بهشت هنوز آفریده نشده است. فرمود: دروغ گفته، پس بهشت آدم در کجا بوده است. ۶۹. رجال کشی: سنان بن انس گفت: به ابوالحسن علیه السلام عرض کردم: همانا یونس می‌گوید: بهشت و جهنم آفریده نشده‌اند. فرمود: خداوند او را لعنت کند، او را چه شده؟ پس بهشت آدم کجا بوده است؟ ۷۰. فلاح السائل: اباعبدالله علیه السلام فرمود: هنگامی که قیامت برپا شود، رضوان که دربان بهشت است گروهی را می‌بیند که به آنان برخورد نکرده‌اند. پس می‌پرسد: شما که هستید و از کجا وارد شدید؟ آنان می‌گویند: ما را رها کن، چرا که یکی

است؟ پس عمر گفت: ای پیامبر خدا، هرگاه یکی از شما بخواهد نزد خانواده خود آید چه می‌کند؟ فرمود: هرگاه یکی از ما بخواهد نزد خانواده خود آید خداوند میان من و او حجابی از نور می‌افکند. پس هنگامی که از این حالت خارج شویم خداوند آن حجاب را از میان ما بردارد. پس عمر حق علی علیه السلام را شناخت و پس از آن به ایشان حسادت ورزید به گونه ای که به هیچ یک از یاران پیامبر صلی الله علیه وآله حسادت نورزیده بود. ۸۱. بشارة المصطفی: از ابن عباس که گفت زمانی بر اهل بهشت خواهد رسید که روشنایی خورشید و ماه را می‌بینند و می‌گویند: آیا پروردگار به ما وعده نداده که در بهشت خورشید و ماه را نخواهیم دید؟ در این حال منادی صدا خواهد زد: وعده خداوند به شما راست بوده و آن‌چه شما می‌بینید ماه و خورشید نیست. بلکه یکی از شیعیان علی بن ابی طالب است که از اتاقی به اتاق دیگر می‌رود و این نور چهره اوست که بر شما تابیده است. ۸۲. تنبیه الخاطر: مردی به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله گفت: ای ابوالقاسم آیا چنین می‌پنداری که اهل بهشت می‌خورند و می‌آشامند؟ فرمود: بله، سوگند به کسی که جانم در دست اوست به هر یک از آنان توانایی صد تن در خوردن و آشامیدن داده می‌شود. گفت: پس به این ترتیب کسی که می‌خورد نیاز به رفع حاجت پیدا می‌کند، در حالی که بهشت پاکیزه است و ناپاکی در آن راه ندارد. فرمود: عرقی همچون مشک از آنان بیرون می‌آید، به این ترتیب شکم هایشان تهی می‌شود. ۸۳. ابو ایوب انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت کرده که فرمود: شبی که مرا به آسمان بردند ابراهیم علیه السلام به من برخورد کرد و گفت: امتت را امر کن تا درختان بسیار در بهشت بکارند، چرا که زمین آن بسیار گسترده و خاک آن پاکیزه است. گفتم: درختان بهشت چیست؟ گفت: لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ. ۸۴. کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهرة: حسن گفت: از عمران بن حصین و ابوهریره درباره آیه «و مساکن طیبه» {و خانه‌های پاکیزه} سؤال کردم، گفتند: نزد آگاهان آمدی، ما از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این باره سؤال کردیم، ایشان فرمودند: کاخی از مروارید که در بهشت قرار دارد و در آن قصر هفتاد سرا از یاقوت سرخ و در هر سرا هفتاد خانه از زمرد سرخ است که در هر خانه هفتاد تخت و بر هر تخت هفتاد فراش گسترده و بر بالای هر فراش حورالعینی است. در هر خانه هفتاد سفره پهن است و بر هر سفره هفتاد نوع غذا قرار دارد. در هر خانه هفتاد خدمتکار و کنیز است. و فرمود: خداوند به مؤمن توانایی می‌دهد در هر وعده همه آن را مصرف کند. ۸۵. کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهرة: ابوجعفر از در دنیاست می‌پوشاند. پس وارد بهشت شدم و درختی را در آن دیدم که هر برگ آن همه دنیا و آن‌چه را در آن است می‌پوشاند. زیورها و لباس‌های فاخر و غذا به جز شراب بار می‌دهد. و در بهشت هیچ باغ و سرا و خانه ای نیست مگر این‌که در آن شاخه ای از شاخه‌های این درخت وجود دارد. و لباس‌ها و زیورها و خوراک صاحب کاخ از آن شاخه است. پس گفتم: ای جبرئیل، این درخت چیست؟ گفت: این درخت طوبی و برای تو است. پس خوشا به حال تو و بسیاری از مردم امت تو. گفتم: پایان آن، یعنی ریشه‌اش در کجاست؟ گفت در سرای علی بن ابی طالب، پسر عموی تو قرار دارد. ۸۸. تفسیر فرات بن إبراهیم: ابوجعفر محمد بن علی از پدرانش علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، فرمود: هنگامی که مرا به آسمان بردند و به آسمان دنیا رسیدم تا این‌که به آسمان ششم رسیدم، در این هنگام درختی را دیدم که تا آن زمان درختی بهتر و بزرگ‌تر از آن را ندیده بودم. پس به جبرئیل گفت: ای محبوب من، این درخت چیست؟ گفت:

این درخت طوبی است محبوبم، فرمود: پس گفتم: این صدای بلند و برخاسته چیست؟ گفت: این صدای درخت طوبی است. فرمود: پرسیدم چه می‌گوید؟ گفت: می‌گوید: وای از شوقی که به سوی تو دارم ای علی بن ابی طالب علیه السلام. ۸۹. تفسیر فرات بن إبراهیم: سلمان رضی الله عنه گفت: برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه وآله گفتند: ای پیامبر خدا، چگونه است که شما فاطمه را آنقدر دوست می‌دارید که هیچ یک از اهل بیت خود را به اندازه او دوست نمی‌دارید؟ ایشان فرمود: هنگامی که مرا به آسمان بالا بردند، جبرئیل علیه السلام مرا به سوی درخت طوبی برد و یکی از میوه‌های آن درخت را گرفت و آن را میان دو انگشت خود شکستو سپس آن را به من خورانید. پس از آن دستش را میان دو شانه من کشید و گفت: ای محمد، خداوند تبارک و تعالی تو را به فاطمه فرزند خدیجه بنت خویلد بشارت می‌دهد. پس هنگامی که به زمین فرود آمدم چنان شد و خدیجه فاطمه را باردار شد. پس هرگاه من مشتاق بهشت می‌شوم نزدیک او می‌آیم و بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم. و او حوریه ای در کالبد انسان است. ۹۰. تفسیر فرات بن إبراهیم: ابن عباس رضی الله عنه گفت: پیامبرخدا صلی الله علیه وآله فرمودند: همانا در بهشت درختی وجود دارد که به آن طوبی گفته می‌شود، در بهشت همه خانه‌ها شاخه ای از آن درخت را در خود دارند که از شهد شیرین‌تر و از کره نرم‌تر است. ریشه آن درخت در خانه من و شاخه‌اش در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام قرار دارد. ۹۱. تفسیر فرات بن إبراهیم: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هنگامی که این آیه بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد: «طوبی لهم و حسن مآب» {زندگی پاکیزه و بازگشتی نیکو برای ایشان است} مقداد بن اسود کندی به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برخاست و گفت: ای پیامبر

خدا، طوبی چیست؟ فرمود: ای مقداد، درختی است در بهشت که اگر سوار های بر اسب تیزرو در سایه آن بتازد، تا پیش از رسیدن به انتهای آن صد سال راه طی می‌کند. برگ‌ها و پوسته آن سرد و خنکو سبز است، شکوفه‌های آن سبزه زارها، شاخه هایش سندس و استبرق، میوه هایش جامه‌های سبز، طعم آن زنجبیل و عسل، سنگفرش آن یاقوت سرخ و زمرد سبز و خاکش مشک و عنبر است. خزه هایش محکمو عود بخوریکه بدون هیزم زبانه می‌کشد. از ریشه آن سلسبیل و رحیق و آب معین می‌جوشد. و سایه آن‌جایی برای نشستن شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام است که در آن گرد هم می‌آیند و با یک‌دیگر سخن می‌گویند و در همین حال مشغول سخن گفتن هستند که فرشتگانی نزدشان می‌آیند و افسار اسب‌هایی برگزیده در دست دارند که از یاقوت آفریده شده اند و سپس روح در آن‌ها دمیده شده، با ریسمان‌های است. پس هنگامی که وارد خانه‌های خود می‌شوند فرشتگان را می‌بینند که به خاطر کرامت پروردگارشان به آنان تبریک می‌گویند. و آن‌گاه که در جایگاه‌های خود قرار گیرند به آن‌ها گفته می‌شود: «هَلْ وَجَدْتُمْ ما وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قالُوا نَعَم» {آیا چیزی را که پروردگارتان به شما وعده داده بود راست دیدید؟ می‌گویند: بله} پروردگارما، خشنود شدیم، تو نیز از ما خشنود باش. می‌فرماید: با خشنودی‌ام از شما و دوستی شما با اهل بیت پیامبرم شما را در سرای خود جای دادم و فرشتگان دست در دست شما گذاشتند. پس گوارایتان باد، گوارایتان باد بدون هیچ ترسی، و هیچ تاریکی در آن نیست. پس در این هنگام «وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُور»}و می‌گویند: «سپاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود، به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق شناس است {ابوموسی گفت: این حدیث را با سند این هشت نفر، برای اصحاب

حدیث خواندم و گفتم: من از عهده این حدیث به سوی شما دوری می‌جویم، چرا که گروهی ناشناس در میان راویان آن هستند و شاید آنان راستگو نباشند. پس همان شب یا شب بعد از آن خواب دیدم گویی کسی نزد من آمد و کتابی همراهش بود که در آن نوشته شده بود: از مخولبن ابراهیم و حسن بن حسین و یحیی بن حسن بن فرات و علی بن قاسم درآن بود، اما علی بن قاسم و گروهی را که نامشان را به یاد ندارم در آن ندیدم، برای تو از زیر درخت طوبی نوشتیم در حالی که خداوند وعده خود را به انجام رساند. پس به کتاب‌هایی که نزد توست چنگ بزن که هرچه در آن‌ها می‌خوانی نور بهشت بر آن تابیده است. بیان: «المنیع» برای آن معنایی که مناسب این جا باشد نیافتم و ممکن است ایراد از نسخه برداری باشد، و «الألنجوج» عود بخور است، و «المرعزی» که بدون تشدید کشیده خوانده می‌شود و در هر صورت میم آن مفتوح است، پشم و کرک زیر موی ماده بز است، و «الریاش» لباس فاخر است، و «لمع بالشی ء» یعنی آن را ربود، و «الحکمة» با حرکت متوالی، چیزی که چانه اسب را بپوشاند، مانند لگام، و افسار نیز جزء آن است، و «الثفر» با حرکت متوالی و نیز با سکون، بندی است که انتهای زین قرار دارد- سعد السعود: از تفسیر عباس بن مروان به اسناد خود از جعفر بن محمد از پدرانش از امیرمؤمنان علیه السلام مانند آن را نقل کرده است. ۹۲. تفسیر فرات بن إبراهیم: ابوجعفر علیه السلام درباره فرموده خداوند «الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآب» {کسانی که کار نیک انجام دادند، پاکیزه‌ترین زندگی و بازگشتی نیکو نصیبشان است} فرمود: همانا به من خبر داده شده که طوبی درختی است در بهشت که ریشه آن در خانه علی بن ابی طالب است، و این درخت برای ایشان و پیروان اوست. بر روی درخت جامه دان‌هایی

است که در هر یک از آن‌ها لباس‌هایی فاخر از سندس و استبرق قرار دارد و برای هربنده ای هزار هزار جامه دان است که در هر یک صدهزار لباس قرار دارد که رنگ هر یک با دیگری متفاوت است، مگر این‌که رنگ همه آن‌ها سبز و از سندس و استبرق است. پس این بلندترین بخش درخت است. میانه آن سایه‌های درخت است که اگر سواری تیزرو در سایه آن درخت به تاخت برود صد سال طول می‌کشد تا آن را بپیماید. پایین‌ترین آن میوه‌های درخت است که به خانه هایشان نزدیک استهر یک از شاخه‌های آن مانند چوبی استکه صد نوع میوه بر آن روییده، از میوه‌هایی که دیده ای یا تا کنون ندیده ای. خداوند متعال می‌فرماید: «لا مقطوعه و لا ممنوعه» {نه پایان می‌یابد و نه از آن منع می‌شود} و این درخت طوبی نام دارد و از ریشه آن رودی جاری است که بهشت عدن را سیراب می‌کند، و آن کاخی است از مروارید یک دست که در آن هیچ شکستگی یا اتصالی وجود ندارد. اگر همه مسلمانان در آن جمع شوندگنجایش آنان را دارد. این کاخ هزار در دارد و هر در دوقطعه است از زبرجد و یاقوت به طول دوازده میل، تنها پیامبران و صدیقان و شهیدان و کسانی که در راه خدا دوستی می‌کرده اند وارد آن می‌شوند و نیز مؤمنان ناتوانی که جایگاه آنان در این جا است، و این بهشت عدن است. ۹۳. کافی: از امام صادق علیه السلام که فرمود: خدا تبارک و تعالی فرماید: ای بنده‌های صدیق من در دنیا به عبادتم متنعّم باشید، زیرا شما در آخرت بدان متنعّم خواهید بود. بیان: این‌که فرمود: شما بدان متنعّم می‌شوید یعنی به سبب آن یا به ثواب آن یا به اصل عبادت، چرا که صدیقین از عبادت پروردگارشان بیش از سایر لذات، لذت می‌برند بلکه جز از آن لذت نمی‌برند. لذا آنان در بهشت خدا را عبادت و یاد می‌کنند نه از جهت تکلیف، بلکه از آن جهت که از آن لذت

می‌برند و از آن متنعم می‌شوند. واین وجه اظهر است. ۹۴. کافی: امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز وجود دارد که شنیدن سخن آفریدگان به آن‌ها داده شده است: بهشت، آتش، و حور العین؛ پس هنگامی که بنده نماز بگزارد و بگوید: «اللهم أعتقنی من النار و أدخلنی الجنة و زوجنی الحور العین»، {خدایا، مرا از آتش برهان و وارد بهشت نما و حوریان درشت چشم را به ازدواج من در آور.} آتش می‌گوید: ای پروردگار، بنده تو از تو خواست او را از من برهانی، پس او را برهان؛ و بهشت می‌گوید: ای پروردگار، بنده تو از تو مرا خواست، پس او را در من ساکن نما؛ و حور العین می‌گوید: ای پروردگار، بنده تو از تو ما را خواستگاری کرد، پس او را با ما تزویج نما. ولی اگر از نمازش روانه شود و چیزی از اینها را نخواهد، حوریان درشت چشم می‌گویند: این بنده در مورد ما بی‌رغبت است و بهشت می‌گوید: این بنده در مورد من، بی‌رغبت است و آتش می‌گوید: این بنده در مورد من، نادان است.۹۵. کافی: امام صادق علیه السلام فرمود: اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله! پدران و مادران ما به فدایتان اهل نیکی‌ها در دنیا به نیکی هایشان شناخته می‌شوند، آنان در آخرت چگونه شناخته می‌شوند؟ فرمودند: خدای تبارک و تعالی وقتی بهشتیان را به بهشت وارد می‌کند، به بویی خوش و پاک امر می‌کند که به نیکوکاران بخورد. آن‌گاه هیچ کدام از آن‌ها بر گروهی از اهل بهشت نمی‌گذرند مگر آن‌که بوی او را شناخته و می‌گویند: این از نیکوکاران است. بیان: عبق به الطیب مانند فرح یعنی به او چسبید. ۹۶. کافی: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا بهشت دری دارد که به آن معروف «نیکی و احسان» می‌گویند و از آن داخل نمی‌شوند مگر معروفان، معروفان در دنیا همان معروفان در آخرت هستند. ۹۷. کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود:

همانا مؤمن ببرادرش تحفه میدهد، گفتم: تحفه چیست؟ فرمود: مانند جای نشستن، متکا، خوراک، پوشاک، سلام. پس بهشت برای پاداش او گردن کشد، و خدای عز و جل ببهشت وحی فرماید که: من طعام ترا بر اهل دنیا حرام ساختم مگر بر پیغمبر و وصی پیغمبر، و چون روز قیامت شود، خدای عز و جل ببهشت وحی کند که دوستانم را در برابر تحفه هایشان پاداش ده، پس غلمان و حوریانی بیرون آیند که طبقهائی که از مروارید سرپوش دارد، همواره داشته باشند. چون آن‌ها بدوزخ و هراسش نگرند و بهشت را با آن‌چه در آنست مشاهده کنند، عقلشان بپرد و نتوانند از آن طبقها بخورند، سپس یک جارچی از زیر عرش فریاد کند که: همانا خدای عز و جل دوزخ را حرام کرده بر کسی که از طعام بهشتش خورد، آن‌گاه ایشان دست دراز کنند و بخورند (زیرا از هراس دوزخ ایمن شوند). ۹۸. کافی: امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه شریفه: یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِینَ إِلَی الرَّحْمنِ وَفْداً{[یاد کن] روزی را که پرهیزکاران به سوی [خدای] رحمان گروه گروه محشور می‌کنیم} به نقل از پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می‌فرماید: ای علی! «وفد» باید سواره باشند، آنان مردانی هستند که تقوای خدا را در پیش گرفتند و خداوند آنان را دوست داشت و به خویش ویژه گردانید و اعمال آنان را پسندید و پرهیزکارانشان نامید، و سپس فرمود: ای علی! سوگند به آن‌که دانه را شکافت و مردم را پدید آورد همانا که فرمود: در بهشت، درجاتی از یک‌دیگر برتر و جایگاه‌هایی گوناگون و متفاوت وجود دارد که نعمت هایش پایان ندارد و ساکنان آن هرگز خارج نگردند ساکنان بهشت جاوید، هرگز پیر و فرسوده نگردند و گرفتار شدائد و سختی‌ها نخواهند شد. ۱۰۴. تنبیه الخاطر: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر با چشم دل به آن‌چه که از بهشت برای تو وصف کرده اند بنگری، از

آن‌چه در دنیاست دل می‌کنی، هر چند شگفتی آور و زیبا باشد، و از خواهش‌های نفسانی و خوشی‌های زندگانی و منظره‌های آراسته و زیبای آن کناره می‌گیری، و اگر فکرت را به درختان بهشتی مشغول داری که شاخه هایشان همواره به هم می‌خورند، و ریشه‌های آن در توده‌های مشک پنهان، و در ساحل جویباران بهشت قرار گرفته آبیاری می‌گردند، و خوشه‌هایی از لؤلؤ آب دار به شاخه‌های کوچک و بزرگ درختان آویخته، و میوه‌های گوناگونی که از درون غلاف‌ها و پوشش‌ها سر بیرون کرده‌اند، سرگردان و حیرت زده می‌گردی: شاخه‌های پر میوه بهشت که بدون زحمتی خم شده در دسترس قرار گیرند، تا چیننده آن هر گاه که خواهد بر چیند، مهمانداران بهشت گرد ساکنان آن و پیرامون کاخ هایشان در گردشند و آنان را با عسلهای پاکیزه و شراب‌های گوارا پذیرایی کنند. آن‌ها کسانی هستند که همواره از کرامت الهی بهره مند تا آن‌گاه که در سرای ثابت خویش فرود آیند و از نقل و انتقال سفرها آسوده گردند. ای شنونده اگر دل خود را به منظره‌های زیبایی که در بهشت به آن می‌رسی مشغول داری، روح تو با اشتیاق فراوان به آن سامان پرواز خواهد کرد، و از این مجلس من با شتاب به همسایگی اهل قبور خواهی شتافت. خداوند با لطف خود من و شما را از کسانی قرار دهد که با دل و جان برای رسیدن به جایگاه نیکان تلاش می‌کنند. بیان: لعزفت یعنی منصرف و بی‌میل شد. و زخرف یعنی طلا و هر چیز اندود شده و الاصطفاق یعنی تکان خوردن و اصطفاف أشجار یعنی درختانِ به نظم صف کشیده و کبائس جمع کباسة یعنی خوشه‌های درخت خرما که شاخه‌های متعدد داشته باشد و عسالیج و همین‌طور أفنان یعنی شاخه ها. این‌که فرمود: «فتأتی علی منیة مجتنیها» یعنی هیچ خواسته او ترک نمی‌شود. فیروزآبادی گوید: التصفیق یعنی ظرف به ظرف کردن شراب

برای آن‌که خالص و مصفا شود. وگوید: الرواق صاف و خیره کننده از آب وغیر آن و گفته می‌شود: زهقت نفسه یعنی مُرد. ۱۰۵. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «آگاه باشید آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از فتنه‌ها نجات می‌یابد» و با نور هدایت از تاریکی‌ها می‌گریزد، و به بهشت و آن‌چه که دوست دارد جاودانه دسترسی پیدا می‌کند. خدا او را در منزل کرامت خویش مسکن می‌دهد، خانه ای که می‌کنند و یاری ایشان بر تأمین خرجی روزگارشان. بعضی از اهالی بهشت به یک‌دیگر می‌گویند: برای رسیدن به دوستان خود عجله نکنید، چرا که تنها فزونی درجات والا در بهشت، با بهره مند ساختن برادران مؤمن خود در نیکی‌ها است که آنان را به تأخیر وامی دارد. و چیزی که برتر از آن است و ناله ساکنان بهشت و حوریان را آرام می‌کند شکیبایی شیعیان در تقیهاست، پس در این هنگام نگهبانان بهشت و حوریان آن می‌گویند: ما بر اشتیاق خود بر آنان شکیبایی می‌کنیم، همان‌گونه که آنان در هنگام شنیدن سخنان ناپسند درباره بزرگان و پیشوایان خود صبر می‌کنند، همان‌گونه که آنان خشم خود را با تلخی فرومی خورند و در آشکار کردن حقیقت دربرابر ستمی که بر آنان می‌رود و توانایی دفع زیان آن را ندارند صبر می‌کنند. پس در این هنگام پروردگار بزرگ و بلندمرتبه ندا می‌دهد: ای ساکنان بهشت من و ای نگهبانان رحمت من، من از روی بخل بزرگان و همسران شما را به تأخیر وانداشته ام؛ بلکه به این دلیل است که سهم آنان را از بزرگداشت خود کامل گردانم، به وسیله یاری رساندن آنان به برادران دینی شان و دست گیری از غمگینان، و گشایش از کار گرفتاران، و شکیبایی در تقیه در برابر فاسقان و کافران، تا آن‌که به برترین کرامت‌ها دست یابند و آنان را با شادمان‌ترین و خوشایندترین حالات به سوی شما منتقل کنم. و

در این هنگام ناله و فریاد آنان آرام گیرد. می‌گویم: کامل آن در باب معجزات پیامبر صلی الله علیه وآله خواهد آمد. ۱۰۷. تفسیر قمی: دلیل این‌که بهشت در آسمان قرار دارد این فرموده خداوند متعال است: «لا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوابُ السَّماءِ وَ لا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» {درهای آسمان برایشان بازنخواهد شد و آن‌ها وارد بهشت نمی‌شوند} و دلیل این‌که آتش در زیر زمین است فرموده خداوند در سوره مریم است: «فَوَ رَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَ الشَّياطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا» {پس سوگند به خداوند همه آنان را برانگیخته خواهیم کرد، و شیاطین را نیز و سپس همه آنان را در حالی که به زانو درآمده اند گرداگرد جهنم جمع می‌کنیم} و معنای «پیرامون جهنم» دریایی است که دنیا را در بر گرفته و آتش‌های آن زبانه می‌کشد. و این فرموده خداوند است که: «وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَت» {و هنگامی که دریاها برافروخته شوند} و «جِثِيّاً» یعنی بر روی زانوان، سپس خداوند متعال فرمود: «وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيها جِثِيًّا» {و ستمکاران را در حالی که از خواری و ناتوانی به زانو درآمده اند درآن رها می‌کنیم} یعنی در زمین که به آتش تبدیل شده است. ۱۰۸. تفسیر امام علیه السلام، فرمود: درباره فرموده خداوند متعال: «وَ إِذْ أَخَذْنا مِيثاقَكُمْ وَ رَفَعْنا فَوْقَكُمُ الطُّور» {و هنگامی که از شما پیمان گرفتیم و بر فراز طور شما را بالا بردیم} پس از بیان فرمان خدا به بنی اسرائیل درباره کتاب، آویخته، و هرکس تا پیش از این روز به آنان بدی می‌کرده و در این روز آنان را خشنود سازد به یکی از شاخه‌های آن آویخته است. و هم‌چنین هر کس کارهای خیر دیگری در این روز انجام دهد به شاخه ای از شاخه‌های آن آویخته است. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت هر کس در این روز کار بد و گناهی انجام دهد به شاخه ای از شاخه‌های درخت زقوم

آویخته که او را به سوی دوزخ می‌کشاند. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت هر کس در این روز نماز واجب خود را کوتاه کند یا آن را سبک شمارد به شاخه ای از شاخه‌های درخت زقوم آویخته و اگر در این روز ناتوان و تنگدستی بر کسی وارد شود و از بدحالی خود به او شکایت کند، در حالی که می‌تواند بدون این‌که زیانی ببیند نیاز او را برطرف سازد و کس دیگری وجود ندارد که این کار را انجام دهد، در این حال از یاری او خودداری کند و دستش را نگرفته و رهایش کند تا ضایع شده و نابود گردد، پس به یکی از شاخه‌های آن آویخته است. و هر کس در برابر گنهکاری که به سویش آمده و عذر می‌خواهد عذر او را نپذیرفته و در مجازات او به حد مجاز اکتفا نکرده و زیاده روی کند همانا به شاخه ای از شاخه‌های زقوم آویخته شده، و هرکس میان مردی و همسرش اختلاف افکند، یا میان پدری و فرزندش، یا برادری با برادرش، و یا میان دو دوست یا همسایه یا همراه و یا دو غریبه اختلاف افکنی نماید، همانا به شاخه ای از شاخه‌های زقوم آویخته است. و هر کس با وجود آگاهی از تنگدستی فرد نیازمندی بر او سخت بگیرد و بر سختی و بلای او بیفزاید به شاخه ای از شاخه‌های زقوم آویخته، و هرکس قرضی بر عهده داشته و آن را برای صاحبش کم به حساب آورد و بر او ستم کرده تا آن‌که قرض را باطل نماید، و هرکس به یتیمی ستم کندو او را بیازارد و مالش را به زور بگیرد به شاخه ای از شاخه‌های آن آویخته، و هرکس به ناموس برادر مؤمنش دست درازی کند و مردم را به این کار وادارد به شاخه ای از شاخه‌های آن آویخته و هرکس به حرام آوازه خوانی کند که به انجام معصیت وادار نماید به شاخی از شاخه‌های آن آویخته و هر کس کارهای ناپسند خود و ستمی را که در جنگ‌ها بر بندگان خدا روا داشته برشمارد و به واسطه آن‌ها بر

مردم فخرفروشی کند به شاخه ای از شاخه‌های آن درآویخته و هرکس همسایه بیماری داشته و از روی بی‌اهمیتی به عیادت او نرفته تا این‌که او دنیا رفته باشد به شاخه ای از شاخه‌های آن آویخته و هرکس همسایه‌اش از دنیا برود و او از روی سبک شماردن او به تشییع جنازه‌اش نرود به شاخه ای از شاخه‌های آن آویخته، و هرکس از مصیبت دیده ای روی گرداند و از روی حقیر و کوچک شمردن به او ستم کند، به شاخه ای از شاخه‌های آن آویخته است. و هر کس عاق والدین یا یکی از آن‌ها شود و با وجود توانایی در خشنود ساختن آنان در این روز آن‌ها را خشنود نسازد به شاخه ای از شاخه‌های آن آویخته، و به این ترتیب هرکس در این روز کارهای ناپسند دیگری انجام دهد به یکی از شاخه‌های آن درآویخته است. سوگند به خدایی که مرا به حق برگزید همانا درآویختگان به شاخه‌های درخت زقوم توسط این شاخه‌ها به جهنم کشیده می‌شوند. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه وآله برای مدتی سر خویش را به سوی آسمان بالا گرفته و شادمان شده و می‌خندیدند. سپس سر خویش را پایین افکنده و اندوهناک و گرفته بودند. سپس به یاران خود رو کرده و فرمودند: سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه وآله را به حق مبعوث کرد درخت طوبی را دیدم که شاخه هایش را بالا گرفته و درآویختگان به شاخه‌های آن به سوی بهشت بالا می‌روند. و برخی از آنان را دیدم که به یک شاخه آویخته بودند و برخی دیگر بر اساس همراه داشتن طاعات بیشتر، به دو شاخه یا بیشتر آویخته بودند. در آن میان زیدبن حارثه را دیدم که به بیشتر شاخه‌های آن چنگ زده بود و به وسیله آن به بالاترین نقطه آن می‌رسید. به همین دلیل شادمان شدم و خندیدم. سپس به سوی زمین نگریستم و سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت شاخه‌های زقوم را دیدم که

درآویختگان خود را به سوی جهنم می‌کشاند. و کسانی را که براساس خون جاری است و او می‌گوید: پروردگارا، در این روز حق مرا از کسانی که به من ستم کردند بگیر. پس در این هنگام پروردگار بزرگ خشمگین می‌شود و جهنم و همه فرشتگان برای خشم او خشمگین می‌شوند و در این هنگام جهنم آهی آتشین می‌کشد و سپس موجی از آتش برمی خیزد و قاتلان حسین و فرزندان آنان و فرزندان فرزندانشان را برمی دارد. پس آنان می‌گویند: پروردگارا، ما در قتل حسین علیه السلام شرکت نداشتیم. پس خداوند به شعله‌های آن می‌فرماید: آنان را از چهره هایشان و پلیدی چشم هایشان و سیاهی روی هایشان بگیرید و آنان را از پیشانی هایشان بگیرید و «فِی الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّار» {در پایین‌ترین پرتگاه‌های جهنم} بیفکنید، چرا که آنان از پدرانشان که با حسین علیه السلام جنگیدند با فرزندان حسین علیه السلام دشمن‌تر بودند. پس آنان را می‌کشند به گونه ای که ناله هایشان در جهنم شنیده می‌شوند. سپس سخن به این جا رسید که فرمود: هنگامی که تو به در بهشت برسی دوازده هزار تن از حوریان به پیشوازت خواهند آمد که پیش از این به پیشواز کسی نرفته و پس از تو نیز برای کسی نخواهند رفت. در دست هایشان عصایی از نور است و هریک بر اسبی برگزیده سوارند که آنان رااز طلای زرد و یاقوت سرخ قرار داده و افسار آن از مروارید تازه و روی هر اسب ریسمانی دورنگاز سندس انبوه قرار دارد. پس هنگامی که وارد بهشت شوی اهالی آن به تو خوشامد می‌گویند و برای پیروانت سفره‌هایی از گوهر که بر ستون‌هایی از نور قرار گرفته گسترده می‌شود و از آن می‌خورند در حالی که مردم در حال حسابرسی هستند و آنان در آن‌چه دلشان بخواهد جاودانه متنعم هستند. و هنگامی که دوستان خدا در بهشت جای گیرند آدم و پیامبران

پس از او به دیدار تو می‌آیند و همانا در میانه بهشت دو مروارید از یک تیره هستند که یکی مروارید سفید و دیگری مروارید زرد است در آن کاخ‌ها و خانه‌هایی است که هفتاد هزار خانه سفید برای سکونت ما و شیعیان ما است. و مروارید زرد برای ابراهیم و خاندان ابراهیم صلوات اللّٰه علیهم اجمعین است. بیان: «الأبرق» هر چیزی است که سفید و سیاه در آن یک جا جمع شده باشد. ۱۱۷. امالی طوسی: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمودند: در فردوس چشمه ایست شیرینتر از عسل و نرمتر از کره و سفیدتر از برف و خوشبوتر از مشک که در آن سرشتی است خدا عز و جل ما را از آن آفرید و شیعه ما را هم از آن آفرید و هر که از آن سرشت نیست از ما و از شیعه ما نیست و همانست پیمانی که خدا عز و جل بر ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام گرفته. عبید (راوی حدیث) گوید: این حدیث را برای محمد بن حسین گفتم و گفت: یحیی بن عبد اللّه بتو راست گفته. و چنین خبر داد مرا از پدرم از جدم از پیغمبر همه ماه رمضان را روزه داشته باشد و صبر کند. می‌دانی مقصود از اطعام چیست، گفتم خدا و رسول داناتر می‌باشند فرمود: هر کس که برای عیال خود هزینه زندگی تهیه کند و آن‌ها را نیازمند مردم نگرداند، می‌دانی تهجد چیست گفتم: خدا و رسول داناتر می‌باشند فرمود: کسی که به خواب نرود تا نماز عشاء را بخواند زیرا یهود و نصاری در آن وقت در خواب هستند. و فرمود حضرت صلی اللّٰه علیه و آله: در آن شب معراج چون به بهشت وارد شدم دیدم زمین مسطحی را که ملائکه‌ها در آن بقعه بزرگی میساختند یک خشت از طلا و یک خشت از نقره و دیدم گاهی میسازند و گاهی میایستند (گوئی منتظراند) پس سؤال کردم از آن‌ها چرا گاهی میسازید و گاهی توقف میکنید؟ گفتند: توقف میکنیم تا این‌که مصالح آن برسد. گفتم مصالح آن چیست؟ گفتند ذکر مؤمن

است که بگوید: سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه اکبر، و هر گاه نگوید توقف می‌کنیم. هنگامی که مرا در آسمان‌ها گردش دادند، جبرئیل علیه السلام دست مرا گرفت و مرا بر بساطی از بساطهای بهشت نشاند. پس از آن یک گلابی به من داد و من آن را زیر و رو کردم، ناگهان شکافته شد و از آن کنیزی از حوریان بهشتی خارج شد که من زیباتر از او ندیده بودم، پس به من گفت: سلام بر تو ای محمّد! گفتم: تو کیستی؟ گفت: من راضیه مرضیّه هستم، که پروردگار مرا از سه چیز آفریده است، پائین تنه من از عطر است، و میان تنه من از کافور و بالا تنه من از عنبر است. خدای مرا به آب حیات سرشته است. خدای جبّار به من گفت هست شو، پس موجود شدم، و مرا برای برادر و پسر عمویت علی بن ابی طالب آفریده است. این حدیث و مانند این حدیث و عکس آن‌ها دلالت دارند بر خلق شدن بهشت و جهنم و این‌که الان موجودند. ۱۳۰. تفسیر قمی: در پاسخ به کسانی که بهشت و جهنم را انکار می‌کنند فرموده است: «عِندَ سِدْرَةِ المُنْتَهَی عِندَهَا جَنَّةُ المَأْوی» یعنی سدرة المنتهی در آسمان هفتم قرار دارد و جنة المأوی هم در کنار آن است.علی بن ابراهیم گفت روایت کرد برای من پدرم از حماد از امام صادق علیه السلام که رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمودند: «هنگامی که مرا به آسمان‌ها بردند وارد بهشت شدم و در آن‌جا قصری» و حدیث اول را تا این جای فرمایش حضرت که می‌فرمایند: «همانا ایشان می‌خوابند بین آن دو» ادامه دادند. سپس گفت و به همین اسناد رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمودند: «هنگامی که مرا به آسمان‌ها بردند» تا پایان حدیث دوم و پس از آن حدیثی که ما آن را در اول باب از ایشان روایت کردیم یعنی حدیث بوسیدن فاطمه علیها السلام و توصیف درخت طوبی را آورده و می‌گوید: و همانند آن بسیار است از مواردی که

منکرین معراج و بهشت و جهنم را رد می‌کنند. ۱۳۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام از پدران خود نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وسط بهشت از آن من و اهل بیت من است. ۱۳۲. خصال: در مورد فرموده خداوند: «طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآب» {طوبی و خوش سرانجامی آن‌ها است} امیر المومنین علیه السلام می‌فرمایند: طوبی درختی است که خدا با دست خود آن را کاشته و از روح خود در آن دمیده و از پشت دیوار بهشت شاخه‌های آن نمایانست زیور و جامه‌های زیبا و میوه‌های آویخته تا برابر دهان بهشتیان ببار آورد تا آخر حدیث. ۱۳۳. خصال: ابن عباس گفت رسول خدا بر زمین چهار خط کشید و فرمود میدانید این چیست؟ گفتند خدا و رسولش داناترند، فرمود بهترین زنان بهشت چهارند، خدیجه دختر خویلد؛ فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم زن فرعون. ۱۳۴. معانی اخبار: امام صادق علیه السّلام روایت نمود که پیغمبر اسلام صلی اللّه علیه و آله فرمود: «سخاوت» درختی است که ریشه آن در بهشت است و شاخه هایش بر دنیا سایه افکنده، اینک هر انسانی به شاخه ای از شاخه‌های آن خود را بیاویزد او را به بهشت خواهد برد. ۱۳۵. تفسیر امام علیه السلام: درباره فرموده خداوند متعال: «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهی عِنْدَها جَنَّةُ الْمَأْوی» {و به این درخت نزدیک نشوید} فرمود: آن درختی است که از دیگر درختان بهشت متمایز شده است. همانا دیگر درختان بهشت هر کدام یک نوع میوه و خوراکی دارد، اما این درخت و درختان مانند آن، بار گندم و انگور و زیتون و عناب و میوه‌ها و خوراکی‌های دیگر را دارد. به همین دلیل داستان گویان در نام درخت دچار اختلاف شده‌اند، برخی می‌گویند گندم بوده و بعضی دیگر می‌گویند انگور بوده و برخی هم می‌گویند درخت عناب بوده است. ۱۳۶. تفسیر امام علیه السلام: در

آن‌چه که در بار مناقب امیرمؤمنان علیه لسلام خواهد آمد. پیامبر صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: به راستی خداوند شیطان را از تو و دوستدارانت ناامید می‌کند و در آخرت به اندازه هر دانه خردلی که به دوستت عطا کرده ای به تو می‌بخشد و خداوند آن را بزرگ می‌کند، درجه ای در بهشت به تو عطا می‌کند که به اندازه فاصله آسمان تا زمین از دنیا بزرگ‌تر است. و نیز به تعداد هر دانه خردل می‌کند کوهی از نقره هم چون آن، و کوهی از مروارید و کوهی از یاقوت و کوهز از گوهر و کوهی از نور پروردگار عزت مانند آن، و کوهی از زمرد و کوهی از زبرجد مانند آن، و کوهی از مشک و کوهی از عنبر همچون آن خواهد داد. و همانا تعداد خدمتگزاران تو در بهشت از تعداد قطره‌های باران و گیاهان و موی حیوانات بیشتر است. ۱۳۷. تفسیر امام علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هرکس حقوق خویشان پدر و مادرش را رعایت کند در بهشت به او هزار درجه داده می‌شود که میان هر دو درجه به اندازه مسیری است که اسب تیزرو در مدت صد سال می‌دود. یکی از درجات از نقره و دیگری از طلا و یکی دیگر از مروارید و دیگری از زمرد و یک هم از زبرجد و یکی دیگر از مشک و یکی از عنبر و دیگری از کافور است. و این درجات از این نوع هستند. و هرکس حق نزدیکان محمد و علی صلوات الله علیهما را رعایت کند، به او درجات و پاداش فراوانی داده می‌شود که به اندازه برتری محمد و علی صلوات الله علیهما بر پدرومادر نسبی او است. سخن به آن‌جا رسید که خویشان پیامبر صلی الله علیه وآله را بر خود مقدم بدارد و پس از بیان این‌که مال بسیار به او داده شود، گفت: سپس پیامبر صلی الله علیه وآله نزد او آمد و گفت: ای بنده خدا، این پاداش تو است که در دنیا نزدیکان مرا بر نزدیکان خودت مقدم داشتی. و من در آخرت به اندازه هر دانه از این مال در بهشت

هزار قصر به تو خواهم داد که کوچک‌ترین آن‌ها بزرگ‌تر از همه دنیا است، گیاه خشکیده آن بهتر است از دنیا و آن‌چه در آن است، تا آن‌جا که فرمود: و هر کس دست از روی محبت بر سر یتیمی بکشد خداوند در بهشت به تعداد هر تار مویی که از زیر دستان او عبور کرده قصری به او می‌بخشد که از همه دنیا و آن‌چه در دنیاست بزرگ‌تر است. و در آن هرچیز که خوشایند باشد و دیده‌ها از آن به وجد آید وجود دارد و آن‌ها جاودانه در نعمت هستند. تا آن‌که گفت: حسین بن علی علیهما السلام فرمود: هر کس یتیمی از ما را بر عهده بگیرد و غیبت و پوشیدگی ما را از او جبران کند، سپس با علوم ما که به او رسیده یاری‌اش کند تا این‌که راه را به او بنمایاند و هدایتش کند، خداوند عزوجل می‌فرماید: ای بنده بزرگوار و یاری دهنده، من به این بخشش سزاوارترم. ای فرشتگانم، برای او در بهشت به تعداد هر حرفی که به او آموخته هزار هزار قصر قرار دهید، و نعمت‌های دیگری را که شایسته آن است به آن بیفزایید. و ادامه داد تا این‌که گفت: دو زن شکایتی را در امر دین نزد فاطمه سلام الله علیها بردند که یکی دشمن ایشان و دیگری زنی مؤمن بود، حضرت حجت زن مؤمن را برایش آشکار ساخت و او بر دیگری پیروز شد و از این رو بسیار شادمان شد. فاطمه سلام الله علیها فرمود: همانا شادی فرشتگان از پیروزی تو بیشتر از شادمانی توست و همانا اندوه شیطان و یارانش از ناامیدی آن زن از تو بیش از اندوه اوست. و خداوند عز وجل به فرشتگان فرمود: به خاطر این آگاهی که فاطمه به این زن نیازمند و اسیر داد، در بهشت هزار هزار برابر آن‌چه را برایش مهیا نموده بودید قرار دهید. و این را سنتی قرار دهید برای هر کس که نیازمند اسیری را بر دشمنش یاری دهد و هزار هزار برابر آن‌چه را در بهشت برایش آماده بود قرار دهید. تا آن‌جا که گفت: و محمد بن جعفر

علیهما السلام فرمود: هر کس برای شکست قدرت دشمنان ما در مقابل دوستان نیازمند اهل بیت تلاش کند و آنان را از ایشان بازدارد و رسوایی هایشان را آشکار کرده و عیب هایشان را بیان کندو امر محمد صلی الله علیه وآله و خاندانش را بزرگ دارد، خداوند تلاش بهشتیان را در ساختن قصرها و خانه‌های او قرار می‌دهد. به تعداد هر حرف از حجت‌هایی که در برابر دشمنان خدا به کار می‌برد برای او از بهشتیان به کار گرفته می‌شود که نیروی هر یک از آنان بیش از آن است که آسمان‌ها و زمین را جابجا کنند. پس چه بناهای فراوان و چه نعمت بزرگی و چه قصرهای بسیاری که تنها خداوند شمار آن‌ها را می‌داند. و ادامه داد تا آن‌که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: همانا خداوند در شب معراج به جبرئیل دستور داد تا قصرهای بهشت را به من نشان دهد. پس آن‌ها را دیدم که از طلا و نقره ساخته شده و ملاط آن از مشک و عنبر است. مگر آن‌که دیدم برخی از آن‌ها کنگره‌های بلند دارند که بقیه ندارند. پس گفتم: ای حبیب به تسبیح و تقدیس و تهلیل خداوند مشغول می‌شوند. آن پرندگان در آسمان پراکنده می‌شوند و خود را در آن آب می‌افکنند و خود را با مشک و عنبر آغشته می‌سازند. پس هنگامی که فرشتگان جمع شوند و به پرواز درآیند بر روی ایشان افشانده می‌شود و در این روز آن‌ها را به عنوان نثار فاطمه سلام الله علیها میان خود رد و بدل می‌کنند. پس هنگامی که روز به پایان رسد ندا می‌دهند: به جایگاه‌های خویش بازگردید که به راستی از لغزش و خطا در برابر چنین روزی در امان هستید، این بزرگداشتی برای محمد و علی صلوات الله علیهما است. تا پایان حدیث. ۱۴۵. کافی: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام برای مردم خطبه خواند و فرمود: بدانید که تقوی برای اهلش مرکبی رام و راهوار است. اگر لگام آن را رها

و آزاد م گذارند؛ آن‌ها را به بهشت وارد می‌کند و درهای بهشت برای آن‌ها باز می‌شود و بوی بهشت را می‌شنوند و به آن‌ها گفته می‌شود: «ادْخُلُوهَا بِسَلاَمٍ آمِنِينَ» تا پایان خطبه. ۱۴۶. کافی: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: هر که بگوید: «لا اله الّا اللّٰه» برای او در بهشت درختی کاشته شود از یاقوت سرخ که بنش از مشک سفید بر آمده و از عسل شیرین‌تر و از برف سپیدتر و از مشک خوشبوتر است و در آن باشد نمونه‌های پستان دوشیزگان که در زیر هفتاد پیراهن بر آمده باشد تا آخرحدیث. ۱۴۷. امالی صدوق: رسول خدا می‌فرمود: اگر بدانید آن‌چه شما در ماه رمضان دارید برای خدا بیشتر شکر می‌کردید. شب اول- خدا همه گناهان امتم را از عیان و نهان بیامرزد و برای شما هزار هزار درجه بالا برد و پنجاه شهر برای شما بسازد. روز دوم- خدای عز و جل بهر گامی که بردارید عبادت یک سال و ثواب یک پیغمبر و روزه یک سال برای شما بنویسد. روز سوم- بهر مو که در تن دارید گنبدی در فردوس برای شما بسازد از در سفید که در زیر آن ۱۲ هزار و در نشیب آن ۱۲ هزار خانه نور بشما دهد که در هر خانه هزار تخت و بر هر تختی حوریه باشد و هر روزی هزار فرشته بر شما در آید با هر فرشته هدیه ای باشد. روز چهارم- خدا در بهشت خلد به شما هفتاد هزار قصر دهد در هر قصری هفتاد هزار خانه و در هر خانه پنجاه هزار تخت و بر هر تخت حوریه ای و برابر هر حوریه هزار کنیزک و روسری هرکنیزک بهتر است از دنیا و ما فیها. روز پنجم- خدا در جنة الماوی به شما هزار هزار شهر دهد که در هر شهری هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار خوان و بر هر خوان هفتاد هزار کاسه که در آن شصت هزار رنگ خوراک مختلف است. بشما عطا کند. بیست و پنجم- خدای عز و جل برای شما بنا کند زیر عرش هزار گنبد سبز که بر سر هر گنبد خیمه نوری باشد خدای عز و جل

فرماید ای امت محمد منم پروردگار شما شمائید بندگان و کنیزان من در این گنبدها زیر سایه عرش من باشید و گوارا بخورید و بنوشید ترس و غمی بر شما نیست ای امت محمد بعزت و جلال خودم شما را چنان ببهشت برم که اولین و آخرین در شگفت مانند و بر سر هر کدام شما هزار تاج از نور گذارم و هر کدام شما را بر ناقه ای سوار کنم که از نور خلق شده و مهار نور دارد و در آن مهار هزار حلقه طلا است و به هر حلقه فرشته ایست که عمود نور در دست دارد تا بی‌حساب وارد بهشت شود. روز بیست و ششم- خدا نظر رحمت بوی کند و همه گناهانش را جز قتل نفس و بدهی مالی می‌آمرزد و هر روز هفتاد بار از غیبت و دروغ و بهتان پاکش کند. روز بیست و هفتم- گویا هر مرد و زن مؤمن را یاری گردید و هفتاد هزار برهنه پوشانیده و هزار مرزبان را خدمت کرده و هر کتابی که خدا فرستاده خوانده اید. روز بیست و هشتم- خدا در بهشت خلد صد هزار شهر نور بشما دهد و در جنة الماوی صد هزار کاخ نقره و در جنة الفردوس صد هزار شهر و در هر شهری صد هزار منبر مشک که در درون هر منبری هزار خانه از زعفران است و در هر خانه هزار تخت از در و یاقوت و بر هر تختی همسری از حور العین. بیست و نهم- خدا هزار هزار محله دهد که درون هر محله گنبد سفیدیست و دور هر گنبد تختی از کافور سفید و بر آن تخت هزار بستر از سندس سبز و بالای هر بستری حوریه در هفتاد هزار حله و بر سرش هشتاد هزار شقه گیسو است و هر شقه مکلل بدر و یاقوت بوده. سی ام- خدا بنویسد برای شما بهر روزی که بر شما گذرد ثواب هزار شهید و هزار صدیق و بنویسد برای هر روزی ثواب روزه دو هزار روز و بشماره هر چه بروید به آب رود نیل درجه شما را بالا برد و بنویسد برای شما برات آزادی از دوزخ و جواز از صراط و امان از عذاب، بهشت را دریست بنام ریان که تا روز قیامت

گشوده نگردد و برای مردان و زنان روزه دار باز کنند که از امت محمدند «ص» و رضوان خازن بهشت جار زند ای امت محمد بیائید بسوی ریان و امت من از این در وارد بهشت شوند هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود در چه ماهی آمرزیده شود؟. ۱۴۸. امالی صدوق: علی علیه السلام فرمود: از طرف رسول خدا ده چیزی به من داده شد که به کسی پیش از من داده نشده و به کسی پس از من هم داده نشود رسول خدا فرمود: ای علی تو برادر منی در دین و تو برادر منی در آخرت، علیه و آله و سلم استغفار می‌کنند تا آخر حدیث. ۱۵۷. علل الشرایع: سائلی خدمت رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله عرض کرد: چرا جنّت (بهشت) را جنّت خوانده اند؟ پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمودند: زیرا مستور و پنهان از مخلوقات است و نیز پسندیده و پاکیزه بوده و نزد خدا ذکرش و یادش مطلوب و مرضی است. ۱۵۸. خصال: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: چون خداوند بهشت را آفرید، آن را از نور عرش آفرید، سپس این نور را پاشید و یک سوم آن به من رسید و یک سوم آن به فاطمه علیهما السلام و یک سوم آن به علی علیه السلام و خاندان او رسید، پس هر کس که از این نور به او اصابت کرده باشد به ولایت آل محمد صلی اللّٰه علیه و آله راه پیدا می‌کند و هر کس که از این نور به او نرسیده باشد از ولایت آل محمد صلی اللّٰه علیه و آله گمراه می‌شود. ۱۵۹. امالی طوسی: حسنین علیها السلام از پدر خود علی علیه السّلام روایت می‌کنند که مردی از انصار خدمت حضرت رسول صلّی اللَّه علیه و اله رسید و گفت: یا رسول اللَّه من توانائی دوری از شما را ندارم، من وارد منزل خود می‌گردم و یاد شما را می‌کنم و بار دیگر کارهای خود را رها می‌کنم و می‌آیم خدمت شما، و این فقط برای دوستی و محبت شما می‌باشد. من با خود فکر می‌کنم که روز قیامت هنگامی که شما را وارد

بهشت کردند و در جایگاه بلندت جای دادند من در آن هنگام چه کنم در این هنگام این آیه نازل شد «وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً» و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند. رسول خدا آیه را برای او خواندند و او را به جوار خود بشارت دادند. ۱۶۰. علل الشرایع: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمودند: هنگامی که مرا به آسمان بردند از آن به آسمان ششم رفتم به این آسمان که رسیدم نداء آمد: یا محمّد خوب پدری است، پدرت ابراهیم و خوب برادری است، برادرت علی از آن‌جا گذشته و وقتی به مقام حجب رسیدم جبرئیل دست مرا گرفت و به بهشت داخل نمود در این اثناء به درختی از نور برخوردم که در اصل و ریشه آن دو فرشته ای که حلل و زیورها به خود پیچیده بودند قرار داشتند به جبرئیل گفتم: حبیب و دوست من آن درخت از آن کیست؟ جبرئیل گفت: این درخت تعلّق به برادرت علی بن ابی طالب علیه السّلام دارد و این دو فرشته تا روز قیامت حلل و زیورها را به خود پیچیده اند سپس به جلو رفتم به درخت خرمایی بر خوردم که خرمایش نرمتر از کف و دو نیم کردم یک حوریه از آن بیرون آمد که مژگان چشمش چون پرهای جلو کرکس بود به من گفت درود بر تو ای احمد، ای رسول خدا، ای محمد، گفتم خدایت مهربان باشد تو کیستی؟ گفت منم راضیه و مرضیه جبار مرا از سه جنس آفریده پائین تنم از مشک است و بالای آن از کافور و میانه‌ام از عنبر و با آب زندگی خمیر شدم و حضرت جبار فرمود باش و من بودم و آفریده شدم برای پسر عم و وصی و وزیر تو علی بن ابی طالب علیه السلام. جامع الاخبار از

امام رضا از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله همانند آن را روایت کرده. ۱۶۴. امالی طوسی: رسول خدا صلی اللَّه علیه و اله فرمودند: هنگامی که مرا به آسمان‌ها بردند وارد بهشت شدم و در آن‌جا قصری از یاقوت سرخ را مشاهده کردم که باطن آن هم از بیرون مشاهده می‌شد. آن یاقوت بسیار پر نور و درخشنده بود در این قصر دو قبه از در و زبرجد دیده می‌شد، گفتم ای جبرئیل این قصر متعلق به کیست فرمود: آن برای کسی است که سخنهای خوب بگوید، و روزه داشته باشد و طعام به مردم بدهد و در شب‌ها هنگامی که مردم خواب هستند نماز بگذارد تا آخر حدیث. ۱۶۵. تفسیر فرات بن إبراهیم: با اسناد خود از حذیفه یمانی، گفت: عایشه بر پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله وارد شد در حالی که ایشان فاطمه سلام اللّٰه علیها را می‌بوسید. پس گفت: ای پیامبر خدا، آیا او را می‌بوسید در حالی که او شوهر دارد؟ پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله به او فرمود و سخن از حدیث معراج به میان آمد تا آن‌که فرمود: سپس جبرئیل دست مرا گرفت و مرا وارد بهشت کرد و من شادمان بودم. در آن حال درختی نورانی را دیدم که دو فرشته جامه‌ها و زیورها را در ریشه آن می‌پیچیدند. سپس جلو آمدم و سیبی را دیدم که تا آن زمان سیبی بزرگ‌تر از آن ندیده بودم. پس یکی از آن را گرفتم و آن را دو نیم کردم، پس حوری از میان آن بیرون آمد که کناره پلک هایش همچون بال‌های عقاب بود. پس گفتم: تو از آن کیستی؟ گریست و گفت: از آن فرزندت که او را با ستم به قتل می‌رسانند، حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام، سپس پیش‌تر آمدم و خرمایی دیدم که از کره نرم‌تر و از عسل شیرین‌تر بود. آن را برداشتم و خوردم و میل زیادی به آن داشتم. پس آن خرما در پشتم تبدیل به نطفه شد. هنگامی که به زمین آمدم و نزد خدیجه رفتم او فاطمه را

باردار شد، پس فاطمه حوریه ای بهشتی در کالبد انسان است و من هرگاه مشتاق رایحه بهشت می‌شوم بوی دخترم فاطمه علیها سلام را استشمام می‌کنم. ۱۶۶. من لا یحضره الفقیه: از جابر انصاری، گفت: هنگامی که پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فاطمه را به همسری علی علیه السلام درآورد، گروهی از قریش نزد ایشان آمدند و گفتند: شما فاطمه را دربرابر مهریه ای ناچیز به همسری علی علیه السلام درآوردید. پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله فرمود: من او را به همسری علی در نیاوردم، بلکه خداوند متعال در شبی که مرا به آسمان بالا برد نزدیک سدرة المنتهی آنان را به ازدواج یک‌دیگر درآورد. پس خدای عزوجل به سدره وحی کرد: پراکنده کن، و سدره مروارید و گوهرها را بر حورالعین فروافکند. پس حوریان آن‌ها را میان یک‌دیگر رد و بدل می‌کردند و به آن‌ها فخر می‌کردند و می‌گفتند: این‌ها از هدایای فاطمه دختر محمد صلی اللّٰه علیه وآله است. تا پایان حدیث. ۱۶۷. خصال: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمودند: من وارد بهشت شدم و دیدم که بر در آن با طلا نوشته شده است: معبودی جز اللّٰه نیست، محمد صلی اللّٰه علیه وآله حبیب خداست، علی ولی خدا و فاطمه کنیز خداست، حسن و حسین برگزیدگان خدا هستند، لعنت خدا بر دشمنان آنان باد. ۱۶۸. عدة الداعی: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمود: اگر یکی از لباس‌های بهشتی بر مردم دنیا می‌افتاد چشم هایشان طاقت دیدن آن را نداشت و همانا از لذت نگریستن به آن‌جان می‌دادند. و نیز از ایشان روایت شده که هر چیز می‌سازم، آن‌گاه فرمان می‌راند که او را وارد بهشت کنید، و در بهشت کاخی از یاقوت سرخ از آن اوست که درها و ایوانها و پلّه‌های آن همه از همان یاقوت سرخ است، و درون آن از بیرون آن پیدا، و بیرون آن از درون آن هویداست؛ و برای او در آن کاخ هزار کنیز زن و

هزار غلام نوجوان که جاودانه در آن قصر (در خدمت او) باشند، همانها که خداوند متعال (در قرآن) آنان را وصف کرده است. ۱۷۱. امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره را برای پاداش الهی و با صبر یک بار آن را در نماز واجب و یا مستحب تلاوت نماید، خداوند در روز قیامت او را در جایگاه نیکوکاران قرار دهد، و صرف نظر از بهشتی که در آن ساکن است سه باغ دیگر (از باغهای) بهشتی را به او عطا می‌کند، و دویست حوریّه باکره و چهار هزار حوریّه شوهر دیده را به همسری وی درآورد. ۱۷۲. ثواب الاعمال: امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: کسی که سوره هَلْ أَتی عَلَی الْإِنْسانِ را در بامداد هر پنجشنبه بخواند، خداوند هشتصد حوری باکره و چهار هزار حوری شوهر دیده، و جز اینها (باز) از حور العین دیگر نیز به همسری او در آورده و (در بهشت) همراه با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم باشد. ۱۷۳. ثواب الاعمال: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه و آله فرمود: کسی که بکوشد تا دو مسلمان را به همسری یک دیگر درآورد، خداوند (در آخرت) هزار حور بهشتی را که هر یک در قصری از در و یاقوت آرمیده‌اند، به ازدواج او در می‌آورد. و کسی که مسجدی در دنیا بسازد، خداوند در برابر هر وجب- و شاید هم فرمودند: در برابر هر ذراع- از آن، شهری از طلا، نقره، درّ، یاقوت، زمرد، زبرجد و مروارید برای او می‌سازد که وسعت آن باندازه ای است که برای پیمودن آن‌چهل هزار سال وقت لازم است؛ در هر شهری چهل میلیون قصر؛ در هر قصری چهل هزار خانه؛ در هر خانه ای چهل میلیون اتاق؛ در هر اتاقی چهل میلیون تخت؛ بر هر تختی چهل میلیون همسر از حور العین وجود دارد. و نیز در هر اتاقی چهل میلیون پسر نابالغ خدمتگزار، چهل میلیون دختر نابالغ خدمتگزار و چهل میلیون سفره غذا وجود دارد؛ بر هر سفره ای چهل میلیون سینی بزرگ و در هر سینی چهل میلیون نوع غذا هست

و خداوند چنان قدرتی به او عطا می‌فرماید که بتواند در یک روز از همه این همسران و غذاها استفاده کند. و کسی که مؤذن مسجدی شود و به خاطر رضای خدای متعال در آن اذان بگوید، خداوند ثواب چهل میلیون پیامبر، چهل میلیون صدیق و چهل میلیون شهید را به او عطا نموده و شفاعت او را در مورد چهل میلیون مردم را اندرز می‌دادند، پس یاد بهشت و نعمت‌ها و همسران آن به میان آمد. در میان جمع عرب بادیه نشینی بود که روی دو زانو نشست و گفت: ای پیامبر خدا، آیا در بهشت آواز نیز هست؟ فرمود: بله ای اعرابی، همانا در بهشت رودی است که در ساحل آن دوشیزگانی سفید روی هستند که با صداهایی که هیچ مخلوقی مانند آن را نشنیده است آواز می‌خوانند. پس این برترین نعمت بهشتی است. راوی می‌گوید: از ابودرداء پرسیدم: آواز آنان چیست: گفت: تسبیح خداوند. ۱۸۳. و از ابراهیم است که: همانا در بهشت درختانی وجود دارد که زنگ‌هایی از نقره بر آن‌ها آویخته و هرگاه بهشتیان بخواهند آهنگی گوش نواز بشنوند خداوند نسیمی از پایین عرش می‌فرستد تا در میان درختان پیچیده و زنگ‌ها را به حرکت درآورد و صدایی پدید می‌آید که اگر مردم دنیا آن را بشنوند از شدت شادمانی جان می‌دهند. ۱۸۴. و از ابوهریره گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: بهشت صد درجه دارد، فاصله میان هر دو درجه به اندازه میان آسمان و زمین است. و فردوس در مرتبه برترین این درجات است و از نظر مکان در میانه آن هاست و رودهای بهشت از آن‌جا سرچشمه می‌گیرند. پس مردی برخاست و پرسید: ای پیامبر خدا، من مردی هستم که صداهای نیکو را بسیار دوست می‌دارم، آیا در بهشت آهنگ خوش وجود دارد؟ فرمود: بله، سوگند به آن کس که جانم در دست اوست همانا خداوند متعال به درختی در بهشت فرمان می‌دهد: برای

بندگانم که عبادت و یاد من آنان را از گوش سپردن به آوازعود و مزمار بازداشته، آهنگی نیکو بنواز. پس صدایی از تسبیح خدا برمی خیزد که تاکنون کسی مانند آن را نشنیده است. ۱۸۵. تفسیر فرات بن إبراهیم: علی بن محمد بن عمر ازهری با اسناد خود از زید بن علی علیه السلام گفت: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله بر مردی از اصحاب خود وارد شد و گروهی نیز همراه او بودند، پس او گفت: ای پیامبر خدا، درخت طوبی کجاست؟ پیامبر فرمود: در خانه من در بهشت، گفت: سپس مردی دیگر همین سؤال را پرسید، پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمود: در خانه علی بن ابی طالب در بهشت، پس گفت: ای پیامبر خدا، ما پیش‌تر پرسیدیم و گفتید در خانه شماست، اکنون می‌گویید در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام. پس به او فرمود: همانا خانه من و او در دنیا و آخرت در یک مکان است، مگر این‌که هرگاه ما قصد زنان را کنیم در اتاق‌ها پوشیده می‌مانیم. ۱۸۶. از کتاب صفات شیعه صدوق: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس چهار چیز را انکار کند، از شیعیان ما نیست: سزاوارتر از ما نیستند. ۱۹۳. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابوبصیر از یکی از دو امام باقر و صادق علیهماالسلام، فرمود: هنگامی که روز جمعه فرا می‌رسد، بهشتیان در بهشت و دوزخیان در آتش دوزخ هستند، و اهل بهشت از چند برابر شدن لذت و شادمانی در می‌یابند که امروز جمعه است، و دوزخیان نیز از شعله ور شدن زبانه‌های آتش به سویشان درمی یابند که امروز جمعه است. ۱۹۴. کتاب حسین بن سعید و النوادر: با همین اسناد از ابوجعفر علیه السلام، فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد بهشت پروردگارش را صدا می‌زند و می‌گوید: پروردگارا، تو عدل هستی، آتش را از اهلش پر کردی همان‌گونه که به او وعده داده بودی، اما مرا آن گونه که وعده کردی پر نساختی. فرمود: پس

خداوند کسانی را می‌آفریند که دنیا را ندیده‌اند، و بهشت را از آنان پر می‌سازد، که گوارایشان باد. ۱۹۵. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابوبصیر گفت: ابوعبدالله علیه السلام فرمود: نگویید بهشت یکتا است، همانا خداوند عزوجل می‌فرماید: درجاتی است که بعضی برتر از دیگری هستند. ۱۹۶. کتاب حسین بن سعید و النوادر: زید بن علی علیه السلام از پدرانش، فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله می‌فرمایند: همانا نزدیک‌ترین مرتبه بهشتیان به شهیدان، مرتبه کسی است که دوازده هزار همسر از حورالعین و چهارهزار دوشیزه و چهارهزار غیردوشیزه، که هر یک از همسران او هفتادهزار خدمتگزار دارند، مگر برای حورالعین که دوبرابر است. هر هفته گرداگرد آنان می‌چرخند و هنگامی که روز یا ساعت یکی از آنان فرارسد به سویش جمع می‌شوند و با صداهایی که بهتر و گواراتر از آن شنیده نشده آواز می‌دهند و هر آن‌چه در بهشت است برای این صدای نیکو به حرکت درمی آید. و می‌گویند: آگاه باشید، ما جاودانه‌هایی هستیم که هرگز نمی‌میریم و در نعمتی هستیم که هرگز تهیدست نمی‌شویم و خشنودیم و هرگز خشمگین نمی‌شویم. ۱۹۷. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابراهیم بن ابی بلاد از پدرش از بعضی از یارانش، گفت: هنگامی که خداوند بهشت را آفرید و رودهایش را جاری ساخت و میوه‌ها و زیورهایش را آویخت فرمود: قسم به عزتم که بخیلان را در این جا همسایه خود نمی‌گردانم. توضیح: «هدله یهدله هدلا» یعنی آن را به پایین فرستاد و فروانداخت. فیروزآبادی چنین گفته است. ۱۹۸. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابوبصیر از ابوعبدالله بی‌اعتنا و زاهد است. ۲۰۱. نوادر راوندی: با اسناد خود از جعفربن محمد علیه السلام از پدرانش، فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هنگامی که خداوند بهشت عدن را آفرید،

آجری از آن را طلا و آجری دیگر را از نقره قرار داد که می‌درخشند و از مشک سائیده شده هستند. سپس به آن فرمان داد تا به حرکت درآید و سخن بگوید. پس گفت: تو خداوندی هستی که معبودی جز تو نیست، زنده و پایداری. پس خوشا به حال آن کس که در تقدیرش ورود به من قرار داده شده باشد. خداوند متعال فرمود: سوگند به عزت و جلالم و علو جایگاهم، نه هیچ شراب خواری وارد تو می‌شود و نه کسی که رباخواری را تکرار می‌کند و نه قتات که همان سخن چین است، و نه دیوث که مرد بی‌غیرت است، و در خانه او برای گناه جمع می‌شوند. و نه قلاع که شخصی است که بدگویی مردم را نزد پادشاه می‌برد تا آنان را به کشتن دهد، و نه خیوف که شخصی است که بسیار نبش قبر نماید، و نه ختار که کسی است که به پیمان وفا نمی‌کند. ۲۰۲. و با همین اسناد، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: حاملان قرآن عارفان اهل بهشت هستند، و پیکارکنندگان در راه خداوند متعال فرماندهان اهل بهشت هستند. و پیامبران بزرگان اهل بهشت هستند. ۲۰۳. نهج البلاغه: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هیچ خیری در کار خوبی که پس از آن آتش است وجود ندارد، و هیچ شری در کار سختی که پس از آن بهشت قرار دارد وجود ندارد، و هر نعمتی جز بهشت کوچک است، و هر بلایی کم‌تر از آتش دوزخ عافیت است. ۲۰۴. العقائد: اعتقاد ما درباره بهشت این است که آن‌جا سرای ابدی و سلامت است. نه مرگی در آن است و نه سستی و نه ناخوشی و نه بیماری و نه آسیب و نه گذر زمان و نه اندوه و نه گرفتاری و نه نیاز و نه تنگدستی است. و آن‌جا سرای بی‌نیازی است و سرای کامیابی و جایگاهی ابدی و سرای بزرگی است. بهشتیان در آن رنج و خستگی نمی‌بینند. بهشتیان هرچه را بخواهند و برای چشم‌ها لذت بخش است دارند و در آن‌ها جاودانه هستند. و

بهشت سرای کسانی است که سزاوار آن هستند، همسایگان خدا و اولیا و دوستان او و کسانی که خداوند آنان را بزرگ داشته و آن‌ها انواع مختلف و در رتبه‌های گوناگون هستند. بعضی از آن‌ها مشغول تقدیس و تسبیح و تکبیر خدا همراه با فرشتگان هستند، و برخی دیگر در نعمت خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و میوه‌ها و تخت‌ها و حوریان و خدمتگزاری پسران جاودان و نشستن بر نمارق و زرابی و لباس‌های سندس و حریر هستند. هر یک از آنان از آن‌چه که بخواهد لذت می‌برد و براساس آن‌چه همتش به آن وابسته است و خداوند را برای آن پرستیده است به او داده می‌شود. و امام صادق علیه السلام فرمود: مردم در سه گروه خداوند را می‌پرستند، گروهی به امید پاداش خداوند را می‌پرستند که این پرستش خدمتگزاران است. و گروهی از روی ترس از آتش او را می‌پرستند و این بندگی بردگان است، و گروهی نیز از روی عشق خدا را می‌پرستند که این عبادت بزرگان است. و اعتقاد ما این است که بهشت و جهنم آفریده شده‌اند. و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله به معراج رفتند وارد بهشت شدند و آتش را نیز دیدند. و اعتقاد ما این است که هیچ‌کس از دنیا خارج نمی‌شود مگر این‌که جایگاه خود را در بهشت یا دوزخ می‌بیند. و همانا مؤمن از دنیا نمی‌رود تا این‌که دنیا برایش بالا می‌رود مانند بهترین چیزی که دیده است، و جایگاهش در آخرت بالا می‌رود، سپس به او اختیار می‌دهند و او آخرت را برمی گزیند. پس در این هنگام جانش گرفته می‌شود. و گفته می‌شود: «فلان یجود بنفسه» و انسان تنها زمانی چیزی را می‌بخشد که رضایت از این کار دارد، نه با زور و نه با اکراه و ناخوشایندی. و اما بهشتی که حضرت آدم در آن بود، باغی از باغ‌های دنیا بوده است که خورشید از آن‌جا طلوع می‌کرده و در آن ناپدید می‌شده است، و آن بهشت جاودان نبوده است.

چرا که اگر بهشت جاودان می‌بود هرگز از آن بیرون نمی‌شد. و اعتقاد ما شده اند تا جایی که مرگ او را به نابودی کشاند، پیش از آن‌که توبه کند. پس عذابی در دنیا و آخرت به او رسیده، یا فقط در آخرت به او رسیده نه در دنیا. سپس بخشیده شده یا مجازات شده و در بهشت جای گرفته است. و برخی از آنان کسانی هستند که بخشیده می‌شوند بدون این‌که اعمالی از پیش برای خود فرستاده باشد، و آنان پسران جاودان هستند که خداوند برآوردن نیازهای مؤمنان را در بهشت به ایشان سپرده است که پاداشی است برای عاملان. و این برایشان دشواری و زحمتی ندارد، زیرا این کار برایشان خوشایند است. چرا شادمانی آنان در برآوردن نیازهای بهشتیان است و پاداش بهشتیان در مشغول شدن به خوردنی‌ها و نوشیدنی و دیدنی‌ها و چیزهایی است که با حواس ظاهری درک می‌شوند و میل به آن دارند و با دستیابی به آن‌ها احساس پیروزی می‌کنند. و در بهشت هیچ انسانی وجود ندارد که لذتی بدون خوردن و آشامیدن و لذت‌هایی که آدمی حس می‌کند داشته باشد. و سخن کسانی که گمان می‌کنند در بهشت کسانی هستند که تنها با تسبیح و تقدیس لذت می‌برند و نه با خوراکی‌ها و شراب، سخنی دور از مذهب اسلام است که گروهی اندک گفته اند و از اعتقاد مسیحیان گرفته شده که گمان می‌کنند کسانی که در دنیا اطاعت خداوند را نمایند، در بهشت تبدیل به فرشتگانی می‌شوند که نه می‌خورند و نه می‌آشامند و نه ازدواج می‌کنند. و خداوند این سخن را در کتاب خود دروغ خوانده و آن‌ها را به خوراکی‌ها و شراب و همسران بهشتی تشویق نموده و فرموده است: خوردنی‌های آن و سایه‌اش همیشگی است، این پایان کار کسانی است که پرهیزکاری نمودند، تا پایان آیهو نیز خداوند متعال فرمود: در آن رودهایی است از آب پاکیزه

که آلوده نگشته‌اند، تا پایان آیهو فرمود: حوریانی که در خیمه‌های بهشتی پوشیده مانده اندو فرمود: و حوریانی فراخ چشم،و فرمود: و آنان را به همسری حورالعین درآوریمو فرمود: و همسرانی دارند که تنها به شوهران خود چشم دوخته اند و همسن و سالندو فرمود: به راستی بهشتیان امروز به نعمت‌های خداوند مشغول و شادمانند،و فرمود: و برایشان میوه‌هایی آورده می‌شود که در خوبی و زیبایی یکسانند، و در آن همسرانی پاک دارند. پس چگونه سخن کسانی که می‌گویند در بهشت گروهی هستند که نه می‌خورند و نه می‌آشامند و تنها با اعمال در نعمتی هستند و اندوهگین می‌شوند، با این‌که کتاب خداوند گواهی بر خلاف آن می‌دهد و اجماع مسلمانان نیز با آن مخالف است، مگر این‌که در این مسئله از کسی پیروی نموده باشند که تقلید از او جایز نیست، یا براساس حدیثی جعلی عمل نموده باشد. پایان سخن ایشان رفع اللّٰه مقامه، و این استدلال در نهایت استواری است. و اما استدلال صدوق رحمه اللّٰه به سخن امام علیه السلام: «و صنف یعبدونه حبا له» به این‌که آن‌ها در بهشت از خوردن و آشامیدن و ازدواج لذت نمی‌برند، ضعیف است، چرا که نبودن بهشت به عنوان هدف آنان در عبادت، این مطلب را نتیجه نمی‌دهد که آنان در آخرت از نعمت‌های آن بهره مند نخواهند شدپس اگر گفته شود: وقتی در دنیا با وجود دلبستگی‌های گوناگون آنان محبت خداوند تعالی و نزدیکی او را بر پاداش بهشت یا مجازات دوزخ برگزیده‌اند، پس در آخرت که از همه وابستگی‌ها بریده شده اند و اسباب محبت و قرب الهی نیز فراهم‌تر است، پس شایسته‌تر است که اعتنایی به بهشت و دوزخ نداشته و از شهوات و لذات بهشت بهره مند نشوند، پاسخ می‌دهم: کام جویی از لذت‌های جسمانی مراتب و درجاتی دارد که بر اساس احوال گوناگون بهشتیان

است، بعضی از آنان هستند که مانند چارپایان از آن لذت می‌برند و در باغ هایش چریده و از نعمت هایش بهره مند می‌شوند، همان‌گونه که در دنیا نیز از قرب و وصل الهی لذتی نمی‌بردند و درکی از عشق و کمال نداشتند. و برخی از آنان از این جهت از براساس شناخت او از بزرگی و بخشش پادشاه است. در میان آن‌ها افراد نادانی هستند که تنها سودی که می‌برند این است که طعم آن شیرین و خوشایند است، و برایشان تفاوتی نمی‌کند آن را در بازار و از فروشنده خریده باشند یا از دست پادشاه بگیرند. و بعضی از آنان نیز اندکی از بزرگی و عظمت پادشاه را درک می‌کنند و می‌خواهند با آن بر دیگران یا زیردستان خود فخرفروشی کنند که پادشاه مرا چنین گرامی داشته است. تا آن‌که به کسانی می‌رسیم که از نزدیکان دربار پادشاه و از درخواست کنندگان لطف و بخشش او هستند. پس لذت ایشان تنها در این است که آن را از دست پادشاه گرفته اند و این نشانه لطف و بخشش اوست که از آن خودداری می‌کند و پنهان می‌دارد و به آن فخر کرده و آن را آشکار می‌کند، با وجود این‌که در خانه‌اش چندین برابر آن را دارد که به خدمتگزاران و بردگانش داده شده است. پس تنها چیزی که از شیرینی آن درک می‌کند طعم قرب و اکرام است. و اگر نشانه اکرام پادشاه در بخشیدن تلخ‌ترین چیزها بود برای او از هر شیرینی شیرین‌تر می‌نمود. و به همین دلیل است که اگر معشوق برای گرامی داشتن عاشق ضربه ای دردناک بر او بزند، در نزد او از هر چیزی که برای دیگران لذت بخش است، دل خواه‌تر و لذت بخش‌تر می‌باشد. پس اگر در مجاز چنین باشد پس در حقیقت نیز سزاوارتر است که چنین باشد. پس اگر این مطلب روشن شود خواهیم دانست که اولیای الهی در دنیا نیز در بهشت و نعمت هستند؛ چرا که با عبادت پروردگار از قرب و وصل او لذت می‌برند و از نعمت‌های

دنیا نیز بهره مند هستند از این جهت که پروردگار و محبوبشان آن‌ها را آفریده و به ایشان هدیه داده و به آنان بخشیده و روزی شان قرار داده است. و در مصیبت‌ها و بلاها نیز مانند آن لذت می‌برند، چرا که می‌دانند محبوب و دوستدارشان برای آن‌ها برگزیده و صلاح آن‌ها را در این دانسته‌اند. پس آنان را به این وسیله امتحان کرده و آن‌ها خشنود و سپاس گزار آن هستند. بنابراین بهره مندی آنان از بلاها مانند بهره مندی از نعمت‌ها و هدیه‌ها است. زیرا جهت لذت بردن در هر دو یکی است. پس آن‌ها در دنیا و آخرت از نعمت قرب و لطف و عشق او بهره مند هستند و در دنیا و آخرت نه ترسی به آنان می‌رسد و نه اندوهگین می‌شوند. پس اگر در دستیابی به این درجه والا پیروز شوند و به این جایگاه برتر برسند، خداوند متعال را از روی ترس از آتش سوزان نمی‌پرستند. بلکه به این دلیل که دوزخ جایگاه خواری و حرمان و جایگاه کافران و گنهکاران و کسانی است که مورد خشم خداوند قرار دارند. و میل آنان به بهشت به این دلیل نیست که بهشت جایگاه برآوردن نیازهای جسمانی است، بلکه به این دلیل است که آن را جایگاه خشنودی خداوند و بزرگداشت و قرب و لطف او برای شایستگان است. و اگر دوزخ جایگاه کسانی بود که خداوند آنان را گرامی داشته آن را برمی گزیدند، همان‌گونه که در دنیا نیز سختی‌ها و اندوه‌ها را با آگاهی از رضایت خداوند درآن برگزیدند. و اگر بهشت جایگاه خشم خداوند می‌بود آن را ترک می‌کردند و از آن می‌گریختند همان‌گونه که لذت‌های دنیا را به این دلیل ترک کردند که می‌دانستند مورد رضایت محبوبشان نیست. پس اگر این را به درستی درک کنی، می‌توانی به سادگی میان چیزهایی که درباره عبادت نکردن برای رسیدن به بهشت و جهنم وارد شده و نیز درخواست فراوان از بهشت و پناه بردن از آتش دوزخ وارد

شده و میان روایاتی که تصریح به عبادت برای آخرت دارند، جمع کنی. چرا که هر کس برای قرب و وصال الهی به دنبال آخرت باشد تنها دیدار خداوند را می‌خواهد. و کسی که آن را برای کامیابی و بهر ه مندی جسمانی بخواهد تنها خودش را پرستیده است. و بررسی این مطلب نیاز به گونه دیگری از سخن دارد و نیاز به مقدماتی دارد که برای بیشتر مردم ناآشنا است. و آن‌چه بیان کردیم کافی است برای کسانی که رایحه ای از بوستان محبت پروردگار بزرگ و باشکوه به او رسیده باشد. و شاید این مقصود را تا حدودی در دو باب حب و اخلاص به پایان برسانیم. و خداوند برای هر خیر و بخشش و نیکویی مورد امید است. سپس بیرون شدن از بهشت به دلیل خوردن از درخت ممنوع، و پوشاندن آن دو به وسیله برگ‌های درخت، براساس آن‌چه کتاب و سنت بیان کرده اند و اجماع مسلمانان نیز تا پیش از آشکار شدن مخالفان بر این بوده است. و برداشتی که از بهشت به عنوان باغی از باغ‌های دنیا می‌شود، به منزله بازیچه گرفتن دین و بی‌اعتنایی به اجماع مسلمانان است. پس از این کسی نمی‌تواند آفریدن دوزخ را انکار کند در حالی که بهشت آفریده شده است. و این دلیل اثبات مخلوق بودن را کامل می‌کند. دوم: آیات روشنی که در این باره وجود دارند، مانند فرموده خداوند متعال: و بار دیگر نیز آن را مشاهده کرد، در نزد «سدرةالمنتهی» که «جنت المأوی» نیز در آن‌جاستو مانند فرموده خداوند در باره بهشت: برای پرهیزکاران آماده شده استبرای کسانی که به خداوند و فرستادگان او ایمان آورده اند آماده شده استو بهشت برای پرهیزکاران نزدیک شده استو در باره دوزخ فرموده است: برای کافران مهیا شده استو دوزخ برای گمراهان آشکار شده استو برداشت از تعبیر آینده در صیغه ماضی به معنای مبالغه در واقعی بودن آن، بر خلاف ظاهر است و تنها با وجود قرینه

می‌توان آن را پذیرفت. سپس گفت: هیچ نص روشنی در تعیین مکان بهشت و دوزخ وارد نشده است و بیشتر مردم بر این اعتقاد هستند که بهشت بر فراز آسمان‌های هفتگانه و پایین عرش قرار دارد، با چنگ زدن به فرموده خداوند متعال: در نزد «سدرةالمنتهی» که «جنت المأوی» نیز در آن‌جاست. و سخن امام علیه السلام که: «سقف بهشت عرش خداوند رحمن است» و دوزخ زیر زمین‌های هفتگانه قرار دارد، و درست این است که این را به علم خداوند دانا و آگاه واگذاریم. پایان. فائده: محقق طوسی رحمه الله در التجرید، پس از بیان پاداش و مجازات گفته است: خالص بودن آن دو لازم است، در غیراین صورت پاداش ناقص‌تر از عوض دادن و بخشش خواهد بود، براساس وجود آن در پاداش و مجازات. و این در باب شکنجه وارد شده است. و هیچ درجه داری در بهشت تقاضای بیشتر ندارد و شادمانی آنان با سپاس گزاری به حدی است که سختی‌ها را از بین می‌برد. و بی‌نیازی آنان از پاداش دشواری ترک بدی‌ها را نفی می‌کند. در حالی که دوزخیان مجبور به ترک بدی‌ها هستند. و علامه رحمه الله در شرح خود گفته است: پاداش و مجازات باید از تردیدها پاک باشند. اما درباره پاداش، زیرا اگر این گونه نباشد عوض دادن و بخشش کامل‌تر از آن خواهد بود، چرا که خالص بودن آن‌ها زشتی‌ها از آنان صادر نمی‌شود. و این برایشان تکلیف نیست، زیرا به حد اجبار رسیده و این نیز نوعی از مجازات را نتیجه می‌دهد. ۲۰۵. اختصاص: ابو عبدالله علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: هنگامی که خداوند تبارک و تعالی بخواهد جان مؤمن را بگیرد، می‌فرماید: ای فرشته مرگ، تو و یارانت به سوی بنده‌ام بروید. چرا که رنج و سختی او برای من به درازا کشیده است، پس روحش را نزد من بیاور تا او را نزد خودم به آرامش برسانم. پس فرشته مرگ با

چهره ای نیکو و لباس‌هایی پاکیزه و بویی خوش نزد او می‌آید و بر آستانه در می‌ایستد و از هیچ دربانی اجازه نمی‌گیرد، و هیچ پوششی را نمی‌درد، و هیچ دری را نمی‌شکند و همراه او پانصد از فرشتگان کمک دهنده هستند که به همراه خود تنه‌های ریحان و حریر سفید و مشک تیزبوی دارند، پس می‌گویند: سلام بر تو ای دوست خدا، بشارت باد بر تو که پروردگارت به تو سلام می‌رساند، و او از تو خشنود است و خشمگین نیست. و بشارت باد بر تو به روح و ریحان و بهشت پر نعمت. فرمود: اما روح عبارت است از آسایش از دنیا و بلاهای آن، و اما ریحان یعنی از هر چیز پاکیزه ای در بهشت بر صورتش گذاشته می‌شود و رایحه آن به روحش می‌رسد. پس او همواره در آسایش و راحتی خواهند بود تا آن‌که روحش از بدن بیرون می‌رود. سپس رضوان نگهبان بهشت نزد او می‌آید و شربتی از بهشت به او می‌نوشاند که در قبر و قیامت تشنه نخواهد شد تا آن‌که سیراب وارد بهشت می‌شود. پس می‌گوید: ای فرشته مرگ، روحم را به من بازگردان تا از جسمم سپاس گزاری کند، و جسمم نیز از روحم سپاس گزاری نماید. فرمود: پس فرشته مرگ می‌گوید: هریک از شما باید از دیگری سپاس گزاری نماید. پس روح می‌گوید: خداوند برترین پاداشی که به جسمی می‌دهد را به تو عطا کند، همانا تو در فرمان برداری خداوند شتابان بودی و در نافرمانی او سست بودی. پس خداوند بهترین پاداشی را که به جسمی می‌دهد از جانب من به تو ببخشد، پس درود بر تو باد تا روز قیامت، و جسم نیز مانند همین سخنان را به روح می‌گوید، پس فرشته مرگ فریاد می‌زند: ای روح پاکیزه، از دنیا بیرون شو در حالی که در امان و رحمت هستی و به آرزوی خود رسیده ای. فرمود: فرشتگان گردش پراکنده می‌شوند و سختی‌ها از او برداشته می‌شود و ورودی‌ها برایش آسان می‌گردد و به سوی زندگی ابدی رهسپار

می‌شود. فرمود: سپس خداوند برای او دو صف از فرشتگان را برانگیخته می‌سازد که روح او را نمی‌گیرند، پس در دو دسته میان قبر و جایگاه او برمی خیزند و برای او طلب آمرزش کرده و شفاعت می‌نمایند. فرمود: پس فرشته مرگ او را از آن سرگرم می‌سازد و آرزوهایش را در دل او می‌اندازد - و از جانب خداوند او را به کرامت و نیکی بشارت می‌دهد، همان‌گونه که مادر کودکش را فریب می‌دهد. و او را با روغن که عورتش پوشیده و ترسش آرام گرفته و امنیت و امان به او داده شده است. و بشارت روح و رضوان و همسران نیکو به او داده شده است. پس دو فرشته ای که در زندگی دنیا همراه او بوده اند به استقبالش می‌آیند و گرد و خاک از سر و صورتش برمی گیرند و از او جدا نمی‌شوند و او را بشارت داده و آرزوهایش را یادآوری می‌کنند و هر هراسی از وحشت‌های روز قیامت به او برسد را دور می‌سازند. به او می‌گویند: ای دوست خدا، در این روز نه ترسی برای تو خواهد بود و نه اندوهی و ما همان دو کسی هستیم که کار متو در دنیا به ما واگذار شده بود، و ما امروز در آخرت نیز دوست و همراه تو خواهیم بود، بنگر « تِلْكُمُ الْجَنَّة» {آن بهشت شما است} که با «أُورِثْتُمُوها بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُون» {اعمالی که انجام داده اید آن را به ارث برده اید.} فرمود: پس در سایه عرش می‌ایستد و خداوند تبارک و تعالی به او نزدیک می‌شود تا آن‌که میان او و بنده‌اش حجابی از نور قرار خواهد داشت، پس به او می‌گوید: درود بر تو، و همین چهره‌اش را روشن و قلبش را شادمان می‌سازد و از شادمانی تا هفتاد ذراع قد می‌کشد. پس چهره‌اش مانند ماه و قدش به بلندی آدم و صورتش مانند یوسف و زبانش زبان محمد صلی الله علیه وآله و قلبش قلب ایوب خواهد بود و هر گناهی که از او بخشیده می‌شود به سجده می‌افتد. پس می‌گوید: بنده ام، نامه ات را بخوان، پس بندهایش از

ترس و وحشت به لرزه می‌افتد. خداوند جبار می‌گوید: آیا ما بر گناهانت افزودیم یا نیکی هایت را کم کردیم؟ می‌گوید: نه مولای من، بلکه تو بر عدل و قسط استواری و تو برترین جداکنندگان هستی. پس می‌فرماید: ای بنده ام، آیا از من شرم نکردی و از من نترسیدی و پروا نکردی؟ پس می‌گوید: پروردگارا، اشتباه کردم، پس مرا رسوا نکن که بندگانت تماشایم می‌کنند. فرمود: خداوند جبار می‌فرماید: ای خطا کار، به عزتم سوگند امروز رسوایت نمی‌کنم. پس گناهانش میان او و خداوند پوشیده می‌ماند و نیکی هایش برای بندگان آشکار می‌ماند. فرمود: پس هرگاه او را به گناهش سرزنش کند می‌گوید: مولای من، به راستی اگر مرا به آتش بفرستی برایم دوست داشتنی‌تر از این است که سرزنشم نمایی. پس خداوند جبار می‌فرماید: آیا به یاد داری که در فلان روز گرسنه ای را سیر نمودی و روزی به یکی از برادران مؤمنت رسیدی و او را پوشاندی در حالی که احرام بسته بودی در بیابان‌ها برای من حج گزاردی، دیدگانت را از ترس فروگذاشتی و از بیم شب را بیدار ماندی، گوشه چشمت را به خاطر پروای از من فروافکندی، پس به واسطه این‌ها نیکی هایت پاداش داده می‌شود و بدی هایت آمرزیده می‌شود. پس درین هنگام چهره‌اش نورانی شده و قلبش شادمان می‌گردد و تاجی بر سرش نهاده می‌شودو زیورها بر دستانش نهاده می‌گردد. سپس می‌گوید: ای جبرئیل، با بنده‌ام برو و بخشش‌های مرا حبه او نشان بده. پس از نزد شادی و طرب درآیند. و همانا در تاریکی شب زنی نزد ولی خدا می‌آید که از همسران او نیست، پس نور و روشنایی او قصرها و خانه‌ها را پر می‌کند. پس او گمان می‌کند پروردگارش بر او نمایان شده یا فرشته ای از فرشتگان اوست، پس سرش را بلند می‌کند و می‌بیند او زنی است که از روشنایی او نزدیک است چشمانش نابینا شوند. صدا

می‌زند: اکنون نوبت ماست که از شما چیزی به ما برسد. می‌پرسد: تو کیستی؟ پاسخ می‌دهد: من از کسانی هستم که خداوند در قرآن نامشان را برده است: «لَهُمْ ما یَشاؤُنَ فِیها وَ لَدَیْنا مَزِیدٌ» {هرچه بخواهند در آن هست، و نزد ما بیشتر است.} پس با نیروی صد جوان با او نزدیکی می‌کند و هفتاد سال از سال‌های اولین او را در آغوش می‌کشد. و نمی‌داند آیا به چهره‌اش نگاه کند یا به پشتش و یا به ساق هایش. و به هر چیز او که بنگرد از شدت نور و جلای آن خویش را می‌بیند. سپس زنی زیباتر و خوشبوتر از اولی نزدیکش شده و صدا می‌زند: اکنون نوبت ماست که از شما چیزی به ما برسد. می‌پرسد: تو کیستی؟ پاسخ می‌دهد: من از کسانی هستم که خداوند در قرآن نامشان را برده است: «فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِیَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْیُنٍ جَزاءً بِما کانُوا یَعْمَلُونَ» {هیچ‌کس نمی‌داند چه چیزهایی برایش پنهان داشته ایم که روشنایی دیده در آن است، پاداشی برای آن‌چه انجام می‌دادند.} فرمود: و هر کس وارد بهشت می‌شود پانصد همسر از حوریان دارد که همراه هر یک هفتاد خدمتکار و کنیز است. گویا آن‌ها مرواریدهای پراکنده‌اند، گویا آن‌ها مرواریدهای پوشیده‌اند، و معنای پوشیده مانند مروارید در صدف است که هیچ دستی به آن نرسیده و هیچ چشمی آن را ندیده است. اما پراکنده شده یعنی در فراوانی، و او هفت قصر دارد که هر قصر هفتاد خانه و در هر خانه هفتاد تخت و بالای هر تخت همسری از حورالعین قرار دارد. «تَجْرِی مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهارُ أَنْهارٌ مِنْ ماءٍ غَیْرِ آسِنٍ» {از پایینشان رودهایی جاری است، رودهایی از آب نیالوده.} شفاف که تیره نیست. «وَ أَنْهارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ» {و رودهایی از شیر که مزه آن دگرگون نشود} از پستان چارپایان خارج نشده است، «وَ أَنْهارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» {و رودهایی از عسل مصفی} که از شکم زنبورها

خارج نشده است، «وَ أَنْهارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» {و رودهایی از شراب لذت بخش برای نوشندگان} که آن‌ها را با قدم هایشان آبگیری نکرده‌اند. پس هنگامی که میل به غذا داشته باشند پرندگانی سفید نزدشان آیند و بال هایشان را بالا می‌برند و از هر نوع غذا که میل داشته باشند می‌خورند. اگر بخواهند نشسته و اگر بخواهند تکیه زده و می‌خورند. و اگر میل به میوه داشته باشند شاخه‌ها به سویشان دراز می‌شوند و از هر چه بخواهند می‌خورند. فرمود: «وَ الْمَلائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بابٍ سَلامٌ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» {و فرشتگان از هر در بر آنان وارد می‌شوند و می‌گویند: درود بر می‌گویند: این برادر پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در دنیا و آخرت است. فرمود: سپس به پیامبران و صدیقان و شهیدان اجازه داده می‌شود و برای پیامبران منبرهایی از نور قرار داده می‌شود و برای صدیقان تخت‌هایی از نور و برای شهیدان کرسی‌هایی از نور قرار می‌دهند. سپس خداوند متعال می‌فرماید: درود و خوشامد بر گروه‌ها و زائران و همسایگان من باد. ای فرشتگان من، آنان را با غذا پذیرایی کنید که دیرزمانی است مردم می‌خورند و آنان گرسنه‌اند، و دیرزمانی است که مردم سیراب هستند و آنان تشنه کامند، و مردم خفته و آنان ایستاده‌اند. و دیر زمانی است که مردم در امان هستند و آنان بیمنا کند. فرمود: پس برایشان غذاهایی می‌آورند که مانند آن‌ها دیده نشده است. طعم آن هم چون شهد شیرین و مانند کره نرم و مانند برف سفید است. سپس می‌فرماید: ای فرشتگان من، با میوه‌ها از آن‌ها پذیرایی نمایید، پس میوه‌های گوناگونی به آنان می‌دهند که مانند آن دیده نشده و خرمای تازه و چرب به سفیدی برف و نرمی کره به آنان داده می‌شود. سپس پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: همانا دانه ای انار می‌افتد و چهره

بعضی را از یک‌دیگر می‌پوشاند. سپس می‌فرماید: ای فرشتگان من آنان را بپوشانید، پس آنان به سوی درختی در بهشت می‌روند و لباس‌هایی از آن به ایشان می‌بخشند که با نور پروردگار رحمن زدوده شده است، سپس می‌فرماید: آنان را خوشبو کنید، پس نسیمی به نام مثیره از پایین عرش می‌وزد که از برف سفیدتر است، چهره‌ها و پیشانی‌ها و پهلوهایشان را دگرگون می‌کند و پس از آن خداوند تبارک و تعالی بر آنان تجلی می‌کند تا این‌که نور چهره‌اش را که از هر نگاهی پوشیده است می‌بینند و می‌گویند: پاک و منزهی ای بزرگ، ما تو را آن چنان که شایسته است پرستش نکردیم. سپس پروردگار سبحان که بزرگ و بلند مرتبه است و معبودی جز او نیست می‌فرماید: بر شماست که هر جمعه به دیدار بیایید و میان هر دو جمعه به حساب شما هفت هزار سال است. ۲۰۶. ابو جعفر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: بهشت بر پیامبران حرام است تا آن‌که من وارد آن شوم، و بر امت‌ها حرام است تا آن‌که شیعیان ما اهل بیت وارد آن شوند. ۲۰۷. از ابوجعفر علیه السلام که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: با رحمت من وارد بهشت شوید و با گذشت من از آتش دوزخ رهایی یابید و با اعمال خود بهشت را تقسیم کنید. پس به عزتم سوگند شما را به سرای جاودان و بزرگی فرودمی آورم، پس هنگامی که وارد آن شوند بخواهم می‌دهم.